

دوره نهم تقيديه

جلسه ۴۷

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قواي دستور)

۲۱ آبان ۱۳۱۲ - ۲۲ رجب ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۹۱

قیمت اشتراک { سالانه ۷۰ ریال داخله ، ۱۰۰ ریال خارجه ، ۲۰۰ ریال ناک شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۱۲ * (۲۲ رجب ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس -
(۲) ایراز تأسف و تأثر از خبر قتل پادشاه افغان -
(۳) بقیه شور لایحه اصلاح قانون مالیات بر عینیات از ماده ۲ -
(۴) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه -

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه هیجدهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

آن لکه های سیاه را از افغانستان زائل و نابود ساخت
(صحیح است)

ما بر اثر مجاورت و همکیشی و برعایت احترام مردمان
وطنخواه و مصلح که برای بشریت نافع و مفیدند از این
فاجعه بی اندازه متأثریم و بدات نجیب افغانستان تسلیت
گفته و سعادت بازماندگان آن فقید تاجدار را از خداوند
مسلات بمکیم (صحیح است)

و آرزو مندیم که برای همیشه این ملت دوست و همسایه
ما خوشبخت و سعادتمند بوده روزگارش بدلخواه و
نعمش پاینده باشد (نشاء الله)

[۲ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون مالیات بر
عینیات از ماده ۲]

رئیس - ماده دوم از قانون مالیات بر عینیات مطرح است

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر)
صورت مجلس تصویب شد

۲ - ایراز تأسف و تأثر از فاجعه قتل پادشاه افغانستان

رئیس - خبر قتل پادشاه افغانستان برای ما
خبری تلخ و ناگوار بود (صحیح است)

اعلیحضرت پادشاه یکی از ذخایر ملت افغانستان بود که
در روزهای تاریک انقلاب و خونریزی طلوع کرده
آرامش و امنیت وطن خود را فراهم ساخت (صحیح است)
همه بزرگواران که درجه روزگاری سخت و مبهم این
مرد وطن پرست داخل در سیاست شده و با چه فداکاری

(مطابق قانون د اندر ماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح چهل و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اساسی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : محامدی - منشی - نواب یزدی - انجمنی - اعظم زنک - طهرانی - امیر تیمور - طهرانی
اقبال - یونس آقا وهاب زاده - شریعت زاده - کفائی - چابچی - کورس - محسن آقا مهدوی - پارما - بیات ماکر -
دیروآمدگان بی اجازه - آقایان : لیتوانی - اسفندیاری - دکتر ادهم - محمود عینی - نیک یور - بختیار - قوام - وکیلی
فراگوزلو - عمرانی -

ماده دوم - مکلفین پرداخت مالیات عبارتند از: الف - هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن در ایران است.

ب - هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن در خارجه بوده ولی در ایران دارای مؤسسه (شعبه - یا نمایندگی و امثال آن) باشد

ج - کسانی که ساکن ایران بوده و با تجارتخانه یا مؤسسه از هر قبیل در ایران داشته باشند

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - این جا مطلبی که ذکر شد در لایحه دولت در ماده اول مکلفین بود به مشمولین شد حال آنکه در قسمت دج نوشته است کسانی که ساکن ایران بوده و تجارتخانه و یا مؤسسه از هر قبیل در ایران داشته باشند نماینده را در اینجا ذکر نکرده ممکن است اشخاصی تجارتخانه در خارجه باشد ولی در ایران نماینده داشته باشند چنانچه در قسمت هب هم نماینده ذکر شده بده عقیده ام این است در قسمت هج هم نماینده ذکر شود

وزیر مالیه - ممکن است پیشنهاد بدهند در کمیسیون اصلاح شود

رئیس - آقای فیهمی

فیهمی - تقصی که بنظر بنده در این ماده میرسد یکی همان قسمتی است که در ماده اول هم بود که بنده پیشنهادی تهیه کرده ام و تقدیم میکنم یکی اینکه در اینجا مینویسد مکلفین یا مشمولین پرداخت مالیات عبارتند از الا آخر. این يك عبارت اعمی است در صورتیکه متن ماده منحصر بیک طبقه است برای تکمیل لایحه باز همان طوری که عرض کردم بهتر این است که سایر قسمتها هم در اینجا ذکر شود یکی دیگر هم در قسمت هج ذکر شده کسانی که ساکن ایران هستند ساکن ایران اعم است ممکن است ساکن ایران باشد اعم از اینکه عوائدی در ایران داشته باشد یا در خارجه مقصود که ان میکنم این است که ساکن ایران باشد و عوائدی از خارجه مستقل داشته باشد یا اینکه ساکن خارجه باشد و در ایران نماینده یا تجارتخانه داشته باشد در هر صورت مقصود از

و یا اینکه عایداتی غیر از راه تجارنی دارند تمام آنها مالیات باید بدهند و مشمول هستند و با موضوع دیگری است یا تجارتخانه دارد یا خودش ساکن ایران نیست ولی تجارتخانه یا مؤسسه در ایران دارد در حال عبارت کافی است با وجود این ممکن است آقا پیشنهاد بدهند و مذاکره بکنیم

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - عرض بنده این است که در این قانون تقریباً ده ماده اش زاید است یعنی یا مکرر نوشته شده یا غیر لازم است و بقیه بنده هر قدر مختصر تر باشد بهتر است زیرا هم اسباب اشتباه کمتر می شود و هم قانون طولانی نمی شود یکی از آن مواد همین ماده است چون نام مکلفین بعد تکلیفشان معین شده و طبقه طبقه شده این ماده که میگوید مکلفین عبارت از اینها هستند هیچ لزومی ندارد فقط ضرورتش این است که همین مذاکرات رویش می شود و يك پیشنهاداتی می شود و باز به آن ماده چهارده منظور که فرمودند يك اختلافی پیدا میکند از این جهت بنده پیشنهاد حذف میکنم

رئیس - پیشنهادی که آقای فیهمی راجع به ماده اول کردند چون موقفش گذشته است حالا قرائت نمیکنیم و بفرستیم بکمیسیون. پیشنهاد اینکه راجع به ماده دوم شده است قرائت میکنیم. پیشنهاد آقای فیهمی:

بنده ماده ۲ را بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم

ماده ۲ - مکلفین پرداخت مالیات مذکور در ماده قبل عبارتند از:

الف - هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن در ایران است

ب - هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن در خارجه بوده ولی در ایران دارای مؤسسات و شعبه و یا نماینده و یا امثال آن باشد

ج - کسانی که ساکن ایران بوده ولی عوائدی در خارجه

داشته باشند و یا ساکن خارجه بوده و در ایران تجارتخانه یا مؤسسه از هر قبیل داشته باشند

د - تجار و کسبه و صاحبان حرف و صنایع که مؤسسات تجاری و صنعتی داشته باشند و همچنین صاحبان مشاغل آزاد و کسانی که از مری سوای آنچه قبلاً ذکر شد عایداتی بدست آورند خواه آنابدات مستمر باشد خواه اتفاقی

ه - مستخدمین دولتی و مملکتی و بلدی و کلیه اشخاصی که از دیگران حقوق میگیرند
پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا:

پیشنهاد مینمایم ماده ۲ بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده ۲ - مشمولین عبارتند از:

الف - عین ماده

ب - عین ماده

ج - کسانی که ساکن ایران بوده و با تجارتخانه یا مؤسسه یا نماینده در ایران داشته باشند
پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

مقام منبع ریاست مجلس

چون مکلفین پرداخت مالیات بعداً در ماده مخصوصه معین شده اند لذا ماده دوم زائد است و پیشنهاد حذف میکنم
پیشنهاد آقای کاشف:

اینجانب پیشنهاد مینمایم که در بند (ب) از ماده ۲

بجای عبارت نماینده کلمه (نمایندگی) مقرر شود

پیشنهاد آقای دکتر ادهم:

مقام منبع ریاست دامت عظمة

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲ حذف و ماده ۴ بجای ماده دو گذاشته شود

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

ماده ۳ - اشخاص و مؤسسات ذیل از پرداخت مالیات معافند:

الف - قرای کبار و وزرای مختار و سایر نمایندگان سیاسی خارجه

ب - بشرط ممانعه متقابله قسولها و وکلای قسولی و اعضای سفارتخانهها و قونسولگریها نسبت بحقوقیکه از

دولت خود بگیرند مشروط بر اینکه دارای ثابت دولتی که نمایند آن هستند بوده و دولت ایران آنها را باین سمت شناخته باشد
ج - صاحب‌امتیاز قشون و امنیه و نظایر نسبت به حقوقی که از وزارت خانه و یا ادارات مشبوعه خود دریافت میدارند
د - مؤسسه شیر و خورشید سرخ

رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بدیهی است معافیتهای که در این ماده ذکر شده از نقطه نظر مادی و استحقاقی نیست بلکه از جهت يك ملاحظاتی خصوصی و يك احترامات مخصوصی است این است که بنده عقیده‌ام این است که غیر از اینها چند فقره دیگر هم باید در اینجا ذکر شود و معافیت قائم شوند یکی حقوق ددار اعظم که مشمول قانون استخدام هم نیست و یکی هم مؤسسات صحی است که باید مستثنی باشد يك وقتی يك کسی فرض بفرمائید می‌آید و خیرخواهی میکند و يك مبلغ معنایی برای صبحیه تقدیم میکند آنوقت بخواهند مالیات از او بگیرند یکی هم بعضی مؤسسات معارفی هست که ممکن است يك وقتی کسی پیدا شود و برای طبع کتب معارفی که برای مملکت هم مفید باشد يك عایداتی معین کند اینرا هم نباید دولت مالیات مطالبه کند و یکی دیگر هم که باید استثناء شود مؤسسات مذهبی است اگر چه هنوز در مملکت ما هنوز يك مؤسسات مذهبی نیست و بنده عقیده‌ام این است که واقفانه در مملکت يك قوای مذهبی باشد و ممکن است يك اشخاصی هم پیدا شوند که برای تبلیغات و برای طبع کتب مذهبی يك پولی بدهند و يك اعانه تقدیم بکنند این است که بنده يك پیشنهادی در این خصوص تهیه کرده‌ام که باین معافیتها اضافه شود و تقدیم میکنم

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - البته آقا آن حکایت بار شبیه که بگمرك رسیده شنیده‌اید که ماور گمرك يك چوب زد گفت چیست صاحب بار گفت اگر يك چوب دیگر بزنی هیچ نیست مثل این پیشنهاد آقای دیا است که اگر يك فقره دیگر هم پیشنهاد کنند دیگر چیزی باقی نماند بنا بر این بنده که بایشهاد آقا موافق نیستم ولیکن چیزیکه

هیچ دلیل ندارد که ما پانیم و يك کسی که امروز در این مملکت در ماه چهار و دو سه تومان پیدا میکند از عایدات خودش به‌خارج مملکت کمک بکند و چراغ که بایستی افکار را تربیت کند خودشان بایند يك کاری بکنند که برخلاف آن چیزی است که منظور است بنده که آن یکم که چراغ باید يك مطالبی را در نظر بگیرند اگر صحیح است آن مطالب را مردم حالی بکنند آن مطالب چیست؟ این است که هر قدر يك مردمی به بودجه مملکت کمک بکند به‌این اندازه به ترقی و سعادت کمک کرده‌اند آیا هیچکس هست در این مملکت که تصور بکند يك دولتی بدون اینکه پول داشته باشد بتواند کاری بکند بتواند برای رفاهیت مردم از برای امنیت و آسایش مردم از برای سعادت مملکت يك کاری بکند پس اگر مقدور اساسی و اصلی داشتن پول است باید هر کس در هر جای مملکت هر قدر که بتواند کمک کند به‌این مؤسسه که عبارتست از خزانه دولت که این صندوق و این خزانه هم بتواند يك کارهایی بکند و اینکه در مقدمه لایحه بنده نوشته‌ام و در جلسه قبل هم عرض کردم حالاً هم عرض میکنم که این يك تکلیف ملی است باز نقطه نظر این است که خواستم يك عبارتی بنویسم عقیده بنده این است که تکلیف ملی هر فردی از افراد این مملکت این است که از دارائی خودش از عایدات خودش بخزانه مملکت کمک بکند خوب آنوقت در موقعی که این مطالب را بایستی چراغ ما مردم حالی بکنند در وقتی که باید در این مملکت اشخاصی باشند که بالاخره کفرانسها بدهند حرف بزنند که این ماور مالیه مجبور نباشد که به تنقیب و ذیل کردن مالیات وصول کند که واقفانه افراد تکلیف خودشان را بدانند آنوقت اول قدمی که باید چراغ بردارند این باشد که خودشان این مالیات را ندهند و دوش خودشان را خالی کنند؟ این کار خوب است اما دیگری باید بدهد؟ این مالیات خوب است اما ما نباید بدهیم؟ بنده هیچوقت این توهین را نمیخواهم بچراغ بکنم و بالاخره بنده از این عرایضی که کردم ممکن است بعد از آنکه دولت بدد باطن به بنده بگویند ولی بعد از آن که فکر کردند خواهند فهمید که حق ما این است و از آقای فهیمی هم تشکر خواهند کرد

رئیس - آقای معذل

معذل - بنده در این ماده چند معافیت دیگر را در نظر گرفتم که پیشنهاد کرده‌ام و قبلاً هم پیشنهاد خودم را بخوانم و رویش توضیح میدهم یکی این است که به مدیران و معلمین مدارس و مؤسسات کتابخانه‌ها و مطابع یکی دیگر به دولتی که به تشخیص شورای عالی معارف در آن سال بهترین کتاب را در علوم و ادبیات نوشته باشند بعد باشخاص متاهل یکمشر باشخاصیکه عیال يك یادو فرزند دارند یکمشر و نیم باشخاصیکه عیال و سه یا چهار فرزند دارند دو عشر باشخاصیکه عیال و پنج یا شش فرزند دارند سه عشر باشخاصیکه عیال و هفت یا هشت فرزند دارند چهار عشر باشخاصیکه عیال نه یا ده فرزند دارند نصف حالا توضیحش را عرض میکنم اولاً اگر آقای وزیر محترم مالیه بخواهند دفاع بفرمایند چون قدرت بیان ایشان از قوت منطق ما بیشتر است قطعاً عرایض بنده اثری ندارد ولی بنده عرض میکنم این جمله که آقدر بزرگت دارد این مالیات را میدهد تربیت نشود و درس نخواند به آن مرحله نمیرسد که ایشان انتظار دارند پنی خودشان تشخیص مالیاتشانرا بدهند و یاورند در وزارت مالیه بپردازند که همبقدر که دولت يك پولی احتیاج میدا کرد و وزیر مالیه در مجلس اعلام کرد که ما يك همچو کاری داریم و همچو مالیاتی لازم داریم فوراً یاورند و بپردازند و این مستلزم تربیت افراد است و باید بالاخره معلمین را تشویق کرد که اینها زحمت بکشند تا آدمهای آبه و نسلهای بعد را برای ما تربیت بکنند ما باید اینها را تشویق کنیم حمایت کنیم این مباحثی جزئی که مالیات آنها میشود ممکن است تأثیر کلی در زندگی آنها نداشته باشد ولی بالاخره در این يك جامعه تشخیص دهنده و قدر شناسی معرفی میکند که به معرفت و دانش احترام بگذاریم از طرفی کتابخانهها و مطابع يك مؤسساتی هستند که تقریباً برای منفعت نیستند و معاف کردن آنها از مالیات بر عایدات کمک بچراغ کرده‌ایم و هم به کتب کلاسیک که بالاخره آنها هم کمکی است به معارف و دانش اما قسمت دوم کمک بدو نفر شخصی است که یکی در علوم و سیاست و یکی در ادبیات کتب نوشته باشد و شورای عالی معارف تصدیق کرده باشد

که این دو نفر بهترین کتابرا نوشته اند مالیات این دو نفر خیلی کم است ولی این از آن چیزهایی است که وزنش کم است و قیمتش زیاد است و یکفتری برای بچنگ آوردن این اقتضای و برای این که موفقیتی را بدست آورد اشخاص زیادی کوشش میکنند و بالاخره ما کتب زیادی پیدا میکنیم و در واقع يك سابقه خوبی برای ما خواهد بود اما قسمت سوم که مربوط باشخاص متأهل و فرزنددار است اینکه قدری روی این لایحه بیشتر حرف زده می شود و آقای وزیر مالیه تمام قوت خودشان را برای گذراندن این قانون بخرج میدهند سیش این است که مخارج مملکت ما به تناسب افرادیکه در این مملکت سکونت دارند زیاد است یعنی افراد کم است و يك بار سنگینی را اشخاص کمی بدوش بگیرند ما باید سعی کنیم و يك کارهایی بکنیم که افراد در مملکت زیاد شود و افراد زیاد نمی شود مگر این که صجه ما درست شود ولی متأسفانه دفاع های صحی ما پول زیادی لازم دارد که آنرا هم این افراد نمی تواند تحمل کنند و هر روزیکه مشروع باین کار نکنیم و برای تکبیر نفوس و برای زیادی عده کوشش نکنیم آرزو را از کف داده ایم حالا برای اشخاصیکه تأهل اختیار نکرده اند و طبقه بنده نیست که پیشنهاد بکم يك مالیات زیادتر از این مالیات بدهند این را خود دولت بخر خواهد افتاد ولی بالاخره اشخاصیکه تأهل اختیار نکرده اند با اشخاصی که تأهل اختیار کرده اند باید فرق داشته باشند و بنده خیال میکنم جای این کار اینجا است اگر یکفتری ده فرزند داشته باشد ده نفر آدمی بشما داده است که فرمای مالیات بده است ده نفر سرباز داده است که شما را از این قسمتها بی نیاز میکند از این جهت بنده خیال میکنم که اگر يك روی موافقتی در این قسمتها نشان داده شود خیلی خوب است

وزیر مالیه - انسان حقیقه در بعضی از مواقع يك محظورات اخلاقی پیدا میکند که خیلی بزحمت خودش را میتواند از جنگال آن محظورات برون آورد یکی از آن مواقع همین موقعی است که بنده باید دفاع کم از نظریکه آقا اظهار کردند اخلاقاً خیلی از قسمتهایکه ایشان گفتند صحیح است اخلاقاً يك کسیکه در جامعه

ماه و ببارت امروز بازده دیال تظیف میدهم بعد از اینهمه رسیدگی ها چون کار آسانی هم نیست يك طفل دارد يك حساب، و طفل دارد حساب دیگر دارد، ستم دارد طور دیگر همه اینها را باید حساب کرد بچه ها را جائزند (خنده نمایندگان) اینها هم هست باید همه اینها را رسیدگی کرد بعد از این همه حساب که کردید ماهی سه هزار هفت تظیف داده ایم که از برای او چیزی نیست ولی از برای ما يك مخارجی دارد که شاید پیش از سه قران است و این هم که راجع به بنده آقا فرمودید شاید يك مقداری هم لطف بود درش که بیان بنده قدرت منطبق آقا را ازین میرد پس اگر صحیح است خوب است فرمایند که منطبق بنده احساسات آقا را ازین میرد حسن نیست آقا هیچ محل زرد نیست ولی باید بینیم که نیت های خوب را بطور بقالب عمل باید ریخت. خودتان میفرمایید باید کاری کرد که معارف در این مملکت زیاد شود هیچکس باشما مخالفت ندارد بگویند باید کاری کرد که صحیح این مملکت خوب باشد افراد سالم باشند زیاد شوند بنده ایمان دارم باین حرف شما ولی از کجا این پول را باید داد از خارج این مملکت فرض کنیم مملکت را در زحمت بندازیم و اینکه خیر از داخل این مملکت باید تهیه کنیم از داخله این مملکت بچه شکل بشکل مالیات باشد یا شکل دیگر؟ بشکل مالیات خوب از عایداتشان بگیریم به آن تناسبی که هر کس يك عایداتی دارد کمك بکند یا بشکل دیگر. اگر پول نداریم چه جور صحیح بدست میکنیم اگر پول نداشته باشیم بطور مدارس را تکمیل میکنیم خودتان همین دارم در موقعی که دقت فرمودید و نگاه فرمودید که برای این نیت های خوب پولهای خوب لازم است نه این پولهایی که داده می شود. اینها که چیزی نیست اما من و شما عادت نکرده ایم بلی امور نسبی است وقتی که بنده عادت نداشته باشم باینکه هیچ بدهم آرزوی که به بنده گفتند سه تومان بده برای من ناگوار است ولی اگر نگاه کنید مردم دیگر و ببینید چه جور مالیات میدهند آن وقت ممکن است يك فکر عجیبی در جواب بنده در بعضی دعاغها پیدا شود بگویند آنها نمول زیاد دارند. آقا همه میلیونر نیستند همان مشولهای کم هم میدهند

همانها هم زیاد میدهند. مالیات بر عایدات که در مالک دیگر نامد نیست و پنج عایدات هم برود آنوقت است که اجازه میدهد که بشود يك کاری بزرگی کرد ما حد اعلیمان چقدر است. ما خواستیم باید ندرجی همان اندازه که وسائل خرجش هم هست همان اندازه پول تفریط نشود همان اندازه مالیاتی گرفته شود و خرج کنیم. در چند سال قبل شما چه میکردید برای معارف بنده خودم تقریباً در دوازده سال قبل که از اروپا آمدم در وزارت معارف بودم هشت ماه تقریباً حقوق معلمین نرسیده بود و این معلمین هر بازده روز یکمرتبه دست از کار میکشیدند و میرفتند در يك محوطه خیلی تاریک کتبی که اسمش سالن کفرانس وزارت معارف بود در آنجا جمع میشدند و مرتبه خوانی میکردند بهشان هم نمی شد حرفی زد برای اینکه يك مردمانی بودند کار کرده بودند و حقوق هم چندین ماه بهشان نرسیده بود الان در حدود چهار میلیون تومان بدسال برای معارف شما خرج می شود بودجه را نگاه کنید کم است بنده قبول دارم اما برای این است که پیش از این فعلاً نمیشود خرج کرد خوب این اشخاصی که میخواهند و آقا هم فکرشان را تقویت میکنید و صحیح هم هست و باید اطفالشان تربیت شوند اینها باید همه کمك بکنند پس از کجا میخواهد این اطفال را تربیت کنید؟ آقا میفرمایند پارسنگین بنده میل دارم که این فکر اصلاً از من برود. مالیات پار نباید باشد. مالیات پار است اگر از مردم گرفته شود و برای مردم خرج نشود و خرج به موقع است اگر گرفته شود و براهشان خرج شود. این کلمه را بدون این که قصدی داشته باشید اجرا کردید ولی آنکسی که در خارج میشنید و میشوند بیان آقا را ممکن است آن ساده لوح بگوید صحیح است. ممکن است بگویند حق داشتند از من دفاع کنند ولی بنده باو نمی بینم باید سنی کم که این فکر را برگردانم. اگر بنا شد من و شما که در این مملکت دارای حق حرف زدن در پشت این میز شدیم باید سعی کنیم افکار را حاضر کنیم که اینها کمك بکنند بخرانه مملکت آنوقت ما هم این را بار بگذاریم و صفت سنگین را هم دنبال بگذاریم چه توقع داریم از این مردم بچاره که این مسائل را هم نمیدانند باور فرمایند برای این

نست که بشما يك جوانی بدهم اول بدهم بشما که از روی اهدان است، برای این است که مردم بفهمند که اگر چیزی از ایشان گرفته می شود بقیع خودشان است چدم دارند جس میکنند می بینند اما من و شما یعنی باید حالی آنها بکنیم تا اینکه من و شما بیایم اینجا و بگوئیم بار سنگین مالیات آنوقت می که شما گفتید و من گفتم این آدمی که عادت نداشته است مالیاتی بدهد مالیات خیلی کمی را بدهد این همانوقت خیال میکند که صحیح است آن وقت است اخلاقی که خیال میکنم نریزید بیرون نریزید نمی شود بطور کلی دو مطالب است که راجع به آن دو مطالب و دروقتی که آن دو مطالب پیش می آید لیاقت و رشد سیاسی يك ملکیتی معلوم می شود یکی خدمت نظام و نظایف است و یکی مالیات بعبارت آخری پول و سرباز. ملکیتی که حاضر نشود پول بدهد برای اینکه عایدات دولتش بتواند برسد به خارج ملکیت، ملکیتی که حاضر نشد سرباز بدهد که حفظش کند آن ملکیت رشد سیاسی ندارد. خدا شاهد است ندارد. باور کنید ندارد. من و شما ممکن است اینجا بود دیگر نگاه کنیم و حرف بزنیم ولی تاریخ قضاوت میکند. امروز يك تصادف تاریخی است. يك دوره است که تاریخ يك روی خوشی با اصلاح نشان داده است و بازشده است روی ملکیت. نگذارید این در بسته شود. نگذارید ما موازیم استفاده کنیم و يك روزی اولادهای ما و عقاب ما بگویند عجب مردم می لیاقتی بودند. آقا معاف کردن همانطوری که معاف کردن از سربازی بدست ز مالیات هم بهمان جهت بدست و این قسمتهایی که در اینجا معاف شده از قضاوت نظر مخصوصی است مثلا معمول است از نقطه نظر نزاکت و جنبه بین المللی سزا از مالیات معاف هستند از این قبیل چیزهاست. و الا آقا بگویند يك دسته معاف شوند چرا آقا معاف شوند؟ چرا با هستی من در ملکیت بدون دادن مالیات زندگانی کنم و دیگران مالیات بدهند؟ چرا شما این فکر را دارید؟ چرا نباید این فکر عوض شود؟ خیلی عذر میخواهم. بنده هیچ قسمی ندارم که بخواهم حرف آقا بیاکنم همین دیگری را رد کرده باشم. بنده بدختره اینطور ساخته عدوام يك عقایدی در زندگی خودم دارم و این عقاید خودم را هم همیشه از روی اهدان

و يك جرارنی عرض میکنم برای اینکه چیزی دست که بر حسب تصادف و صحبت عرض کنم تا این وقتی که آن رشته عقاید من دست زده می شود باور بر ما باید وزیر باشم یا باشم و کلبه بودم یا نبودم همیشه دارای این عقیده بودم ولی میخواهم بزاجهتتان بدهم. يك وقتی وزیر بودم و کلبه بودم روزنامه بنویستم آنوقت هم همین عقاید را داشتم و بنویستم برای اینکه خبر از این نمی شود يك ملکیتی را زنده نگاه داشت. اگر بخواهد هر کس از اندازه که باید به ملکیت کمک کند نکند چطور میخواهد این ملکیت يك جای برسد. این است که با کمال تأسف و ناچار عدم این عراض را بکنم برای این که میدانم شما يك نیت خوبی داشتید ولی بنده هم مجبور بودم برای اینکه دفع سوء تفاهم بشود و برای این که در خارج از موقوفه این پارلمان هر کس بخواهد بفهمد که اینکه ما اینطور دفاع میکنیم تا این است که يك خونریزی شده باشد از برای این است که باید افراد ملکیت بدانند که يك تکلیفی نسبت به ملکیت دارند و آن تکلیف خودشان را انجام بدهند چه می از نمایندگان - کافی است

ولیس - پیشنهاد ما فراتر است و بگذرد؛
پیشنهاد آقای مؤید احمدی؛

فقره ج ماده ۳ اینطور اصلاح شود: ج - صاحبان قانون بری و بحری و هواری و آبی و نظایف الی آخر و پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا؛

پیشنهاد پنجم ماده ۳ باین ترتیب اصلاح شود: ماده ۳ در باره اعظم سفرای کبار و وزرای مختار الی آخر و در آخر ماده علاوه شود: مؤسسات مذهبی و صبیبه و معارف. پیشنهاد آقای ایزدی؛

این ماده پیشنهاد میکنم که در ماده سوم از جمله شیر و خورشید سرخ کلمه چراغ اضافه شود. پیشنهاد آقای مدلی؛

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۳ بشرح ذیل اضافه شود: ه - دبیران و معلمین مدارس و مؤسسات کتابخانه و مطابع. و - دوفتری که به پیشین شورای عالی معارف در آمد

بهترین کتاب را در علوم و ادبیات نوشته باشند.

ز - باشخاص ذیل بشرح ذیل تکلیف داده میشود.

- ۱ - باشخاص متاهل بکدر
- ۲ - باشخاصی که عیال و یک یا دو فرزند دارند بیکمتر و نیم
- ۳ - باشخاصی که عیال و سه یا چهار فرزند دارند دو متر
- ۴ - باشخاصی که عیال و پنج یا شش فرزند دارند سه متر
- ۵ - باشخاصی که عیال و هفت یا هشت فرزند دارند چهار متر

۶ - باشخاصی که عیال و نه یا ده فرزند دارند نصف پیشنهاد آقای کاشف؛

اینجانب الهادی بند (ه) را با آخر ماده ۳ پیشنهاد می نمایم:

ه - مؤسسات بلدی و صحنی و خیریه پیشنهاد آقای دکتر طاهری؛

چون تکلیف اشخاص و مؤسسات در این ماده سوم ذیل ماده ۱۳ مقرر شده، مقتضی است این ماده سوم که راجع به مالیات اشخاص و مؤسسات است در آن قسمت نوشته شود و از اینجا حذف گردد.

پیشنهاد آقای حمزه ناشی؛

پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بعد از قسمت با اضافه شود: پنجم - مؤسسات صنعتی که بعداً احداث میشود از بدو جریان ناهدت پنج سال

ولیس - ماده چهارم فراتر است و بگذرد؛
طایفه مختلفه مؤدیان

ماده ۴ - از نظر شمول مالیات مؤدیان به سه طبقه تقسیم میشوند:

- الف - شرکتهای اقطاعی
- ب - مستخدمین دولتی ملکیتی و بلدی و کلیه اشخاصی که از دیگران (اعم از اشخاص - شرکت ها - تجارتخانه ها - مؤسسات و غیره) حقوق دریافت میدارند
- ج - سایر مؤدیان که بدولت بند الف و ب فوق نیستند

ولیس - آقای طباطبائی دیبا
طباطبائی دیبا - فرمایشات آقای وزیر مالیه اصلاحیه تمام صحیح

و منتهی بود ولی در ضمن فرمایشاتشان يك مسئله زرحم و عدم زرحمی فرمودند بنده میخواستم عرض کنم بنی بنده بنوبه خودم لابد آقایان دیگر هم همین عقیده را دارند راجع به این لایحه حسن زرحمی در ما نیست البته چنانچه فرمودند و تشبیه ما از دولت منتظریم که قانون مرتب و منظم و تربیت امروزه داشته باشد البته خوب نظایف خوب داشته باشد عدلیه خوب داشته باشد و حقوق مردم محفوظ باشد ادارات خوب داشته باشند البته هیچ کس نسبت به اشخاصی که قادرند و ممکن است که برای دولت مالیات بدهند حسن زرحم ندارد ولی بنده عقیده ام این است که در عین حال که ما حسن زرحم نداریم وضع این مالیات هم تریبی باشد که قدری منتهی باشد اینجا در خصوص این ماده در قسمت ه ب می نویسم (مستخدمین دولتی ملکیتی و بلدی و کلیه اشخاصی که از دیگران و اعم از اشخاص - شرکت ها - تجارتخانه ها - مؤسسات و غیره) حقوق دریافت میدارند) عرض بنده راجع به این جمله (اعم از اشخاص است) و الا شرکت ها و تجارتخانه ها و مؤسسات سرچاپش صحیح است و اشکالی ندارد برای اینکه از شرکتها و تجارتخانه ها و مؤسسات اشخاصی که حقوق میبرند اینها استثناء شده است بنی عایدی خالص اینها منظور شده است عایدی خالص که شد همیشه شرکت ملاحظه میکند اگر بکنند حقوق داده است از اموالیات نمیگیرند مثلا يك شرکتی هست ماهی پنجاه ریال بکسی میدهد از آن پنجاه ریال دیگر از شرکت مالیات نمیگیرند خود آن شخص دیگر نباید بدهد از اشخاص مالیات گرفته شده دومرتبه برای يك پول مالیات گرفتن متعلق ندارد. بنده فرض بفرمایند يك عایدات سرشاری دارم و حالا از جمله اشخاصی هم هستم که حقوق زیاد بگیرم آمده ام يك نوکری دارم و فرض بفرمایند شصت تومان هفتاد تومان حقوق دارم در صورتیکه عایدی مرا که حساب کردند عایدی غیر خالص است عایدی خالص که نیست چنانچه تصدیق هم شده امروز خود آقای وزیر مالیه توضیح دادند که عایدی غیر خالص است از اشخاصن آید اند عایدی غیر خالصشان را حساب کرده اند و مالیاتشان را گرفتند آنوقت همین شخص آمده است از این عایدی يك حقوقی دیگری داده است

پس درحقیقت يك مرتبه دولت از این شخص که عایدش حساب شده است عایدی غیرخالصش از این مالیات گرفته يك مرتبه هم از آنکس دیگر بگیرد برای يك پول دو مرتبه دولت عایدی گرفته این بی منطقی است این است که بنده پیشنهادی عرض کردم که این لفظ از اشخاص باید حذف شود

وزیرمالیه - کمان میکنم در اینجا يك اشتباهی شده است بیاناتی که نماینده محترم فرمودند صحیح بود اگر اینکه ما میخواستیم از پول من حیث هو پول مالیات بگیریم ولی ما از اشخاص از هر شخصی بتناسب عایداتش بایستی که مالیات بگیریم این پول که پیش شما آمده است عایدات شماست ما می توانیم عایدات دارید و مالیات بتناسب او بدهید بعد اگر ما می توانیم شصت تومان بشوهر خودتان دادید از همان محل عایدات دارد و باید مالیات بدهد این پول هر جایی که برود در دست هر کس که برود اگر باندازه شد در سال که از آن میزان حداقل تجاوز کرد باید دومرتبه دارنده آن پول مالیاتش را بدهد. از پول که مالیات نمیگیریم که بگوئیم این يك مرتبه مالیاتش را داده. از عایدات اشخاص است و بنابر این باید مالیاتش را بدهد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرضی ندارم

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - همان ترتیبی که عرض کردم اشکالی که برای ماده سه عرض شد این ماده چهار هم پیشنهاد شده است که حذف شود

رئیس - آقای کاشف

کاشف - چنانچه در ماده اول پیشنهادی عرض کردم اینجا هم مؤسسه هست بنده تصور میکنم که اصولاً برای مؤسسات صعبه یا خیریه در نظر نیست که يك مالیاتی فرض شود و در اینجا مؤسسه بطور اعم نوشته شده است بدون اینکه صفتی مانند انتفاعی یا تجاری داشته باشد برای رفع سوء تفاهم نظر بنده این بود که بعد از مؤسسه یا کلمه انتفاعی یا تجاری گذاشته شود یا همانطور که پیشنهاد حذف شد بعضی مؤسسات خیریه از قبیل بلدی و صحنی اینها مناف

باشند

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - عرض بنده هم زاجع حذف ماده بود هم بطور که اول هم عرض کردم یکی از موادی که هیچ نتیجه ندارد این ماده است که بگوئیم مؤدیان سه طبقه اند

وزیرمالیه - پیشنهاد کنید در کتب بیرون مذاکره میشود

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ حذف شود.

پیشنهاد آقای طباطبائی دینا

پیشنهاد می نمایم در ماده ۴ جمله اعم از اشخاص حذف شود.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

شرکتهای انتفاعی

ماده ۵ - از شرکت هایی که مرکز اصلی آنها در ایران است نسبت کلیه عایدات خالص آنها مالیات گرفته خواهد شد ولو اینکه قسمتی از آن عایدات در خارج تحصیل شده باشد عایدات خالص شرکت ها که از آن مالیات گرفته میشود عایدات خالص سال قبل شرکت است بانضمام وجوه ذخیره آن سال - در صورتیکه سال شرکت با سال مالی تطبیق نکند از عایدات خالص دوره که محاسبه آن در سته قبل بسته شده مالیات گرفته خواهد شد.

برای تعیین عایدات خالص شرکتهای اشیاء ساخته شده و مالالتجاره موجوده شرکت بقیمت روز حساب میشود مبالغی که برای استهلاک کسور اموال منقول و غیر منقول شرکت منظور شده از مجموع عایدات غیر خالص موضوع میشود مشروط بر اینکه کسور واقعی بوده و مربوط بمالی باشد که بحساب مالیاتی آن سال رسیدگی میشود.

تفسیر - عوائد ذیل را در صورت ابراز ادله مثبتی باید از عایدات غیر خالص کسر نمود:

الف - عوائد خالص املاک اربابی و مستغلات و خالصجات انتقالی
ب - حقوق بابت برداشتهای شرکاتی که در مؤسسات شرکتی را

رئیس - آقای کاشف

کاشف - در این ماده يك نواقصی بنظر بنده میرسد خواستم بطور تذکار بعرض برسانم برای اینکه از نقطه نظر تعیین منافع خالص تصور میکنم بهتر باشد در این جا که نوشته شده برای تعیین عوائد خالص شرکتهای اشیاء ساخته شده و مالالتجاره موجوده شرکت این صحیح است و باید با

قیمت روز حساب شود ولی ممکن است اضافه بر قیمت تمام شده باشد و باید قیمت تمام شده باشد و باید قیمت تمام شده باشد که يك تفهیم بخورد و باشد در این قسمت پیشنهادی تهیه کرده ام در قسمت سهام هم همین اصل را باید رعایت کرد ممکن است يك شرکاتی سهام داشته باشد و سهامی که امروز دارد البته قیمت آنها بمطابق بوم تنظیم بیان باشد و البته سهام هم قیمت بورسی دارد آن سهام هم باید بقیمت بورسی نوشته شود و بعد مالیات بدهد يك قسمت دیگر در اینجا در قسمت ب نوشته شده است که حقوقی یا برداشتهای شرکاتی که در مؤسسات شرکت شغل را عهده دار هستند در آن قسمت هم بنده اضافه کردم حقوقی یا برداشت های مدیر یا مدیران و شرکاتی که حقوقی از مؤسسه برای داشتن شغل دریافت کنند و يك قسمت دیگری هم هست که بقیمة بنده خیلی لازم است که در قسمت (ج) هر کونه عوائد دیگری که تاجر و هر کس البته ممکن است عوائد دیگری داشته باشد که مالیات آنرا داده باشد وقتی عایدی دیگری داشته باشد از هر مدیری یا حقوقی دیگری داشته باشد که بر طبق ماده دوازده مالیات آنرا داده باشد و حساب منافع او شده باشد او دیگر نباید مالیات بدهد مثل منافع سهام فرض بفرمائید يك تاجری یا شرکاتی يك سهامی در سایر شرکتهای دارد و يك منافعی از آن سهام عاید او میشود در صورتیکه آن شرکت اصلی مالیات خودش را پرداخته است البته آن منافع دیگر نباید يك مالیات دیگری بدهد یا عوائد دیگری دارد این بود که در این قسمت هم پیشنهاد دیگری تقدیم کرده بودم یکی هم موضوع عوائد خالص که چرن خیلی بحث مطولی دارد این بود که تقاضا کردم در کمیسیون شرفیاب شوم و این قسمتها را طرح کنیم

عهده دار هستند مشروط بر اینکه حد متعارف بوده و از مبالغی که باین عناوین استفاده کرده اند مطابق مقررات ماده ۱۱ مالیات پرداخته باشد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در جلسه گذشته در کلیات هم اینجا مذاکره شد بنظر بنده دیگر ذکر خالصجات انتقالی در اینجا قایده ندارد خالصجات در سابق بر دو قسم بود خالصجات ملکی دولت و خالصجاتی که انتقال باشخاص داده شده بود بعد مطابق قوانینی که گذشت آنها را خریدند تفاوت خالصکیش را خریدند و املاک اربابی شد اگر بنویسیم املاک مزروعی و مستغلات کمان میکنم کافی باشد که این موضوع برداشته شود

وزیرمالیه - پیشنهاد بدهید

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - اینجا در جمله است که قدری مطلبش بهم است یکی اینکه اینجا مینویسد برای تعیین عایدات شرکت ها اشیاء ساخته شده و مالالتجاره موجوده شرکت بقیمت روز حساب میشود ولی معلوم نیست بعد که حساب شد این باید از عایدات کل کسر شود با اینکه بر جمع عایدات کل اضافه شود بعد آن کسورات ارزش کسر شود و عایدات خالص معلوم شود بنظر بنده باید اینجا معین شود که این قیمتی که میشود از اشیاء باید جزو عایدات کل حساب شود یکی این است یکی هم در قسمت الف مینویسد عوائد خالص املاک اربابی و مستغلات و خالصجات انتقالی يك قسمت اشکالی است که آقای مؤید احمدی میفرمایند که باید نوشته بشود املاک مزروعی و باغات و مستغلات و این بهتر است و دیگر اینکه عوائد خالص لازم نیست زیرا عوائد خالص آنها معلوم است مالیات میدهند آن تفاوت عوائد خالص است و فقط موضوع میشود مثل این است که يك قسمت دیگر اساساً باید موضوع شود و مالیات بدهد این است که بنده پیشنهاد کردم عوائد املاک مزروعی و باغات و مستغلات نوشته شود

رئیس - آقای دکتر طاهری
 دکتر طاهری - بنده در اشکال در این ماده بنظر رسیده یکی مختصر است و یکیش را تقاضا میکنم که جوایی داده شود یکی اینست که نسبت به عایدات خالص شرکتها که مالیات گرفته میشود اینجا نوشته شده اگر قسمتی از آن در خارجه تحصیل شود آن عایدات را هم باید بدهد بگرم هم دارد که شرکتی است اینجا مرکزش است ولی تمام در خارجه تحصیل میشود اینهم باید اضافه شود که قسمتی با تمام آن زیرا که تمام را نصیب ندارد این یکی موضوع دیگر این است که در قسمت عایدات خالص شرکتها باید عایدات سال قبل را ماخذ بگیرند در صورتیکه ممکن است شرکت در سال قبل عایدات نداشته باشد و در سال جاری عایدات داشته باشد و بالعکس سال پیش یک عایداتی شرکت داشته باشد و امسال ضرر داشته باشد این است که این را هم خواستم عرض کنم که در آخر سال میزان بگیرند که عواید همان سال را اگر خوب است و عایداتی دارد بدهد اگر ندارد که هیچ والا امسال شرکت ضرر داشته باشد لکن سال پیش یک عایداتی داشته است از آن عایدات سال پیش یک مالیاتی ازش بگیرند این را خواستم توضیح بفرمایند

ولیر مالیه - راجع به قسمت اولی که فرمودند خوبست عبارت تصریح شود بنده گمان میکنم احتیاجی باشد برای اینکه مادر اینجا نوشته ایم از شرکت هائی که مرکز اصلی آنها در ایران است نسبت کلیه عایدات خالص آنها مالیات گرفته خواهد شد ولو اینکه قسمتی از آن عایدات در خارجه تحصیل شده باشد اگر هم فرض کنیم که تمام عایداتش از خارج است همینطور باید مالیات بدهد پس ضرورتی ندارد که نوشته شود ولی ممهذاً ممکن است پیشنهادی بدهند و در کمیسیون شور بکنیم راجع به قسمت دوم مالیات که از روی عایدات سال قبل شرکت گرفته میشود برای این است که اگر این کار را نکنیم همیشه یکسال شرکتها معاف خواهند شد ما افراد را همیشه در همانسال مالیاتشان را میگیریم ولی شرکتها که همیشه مدتی طول دارد تا حسابشان را برسانند باین ترتیب امسال اگر عایداتی نداد میگذاردند برای سال آتی که موقع پرداخت مالیات است آنوقت

اگر سال قبل عایدی نداشت امسال چیزی نخواهد داد و از روی عوائد سنوائی حساب مرقب خواهد شد و سوره خواهد شد در حقیقت مالیات یکسال را اگر عایدات زیاده داشته است و زیاد داده سال دیگر کم خواهد داد و اگر یکسال دیگر هم داد این مالیات را میدهد و اشکالی ندارد

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:
پیشنهاد آقای مؤید احدی
 بنده پیشنهاد می کنم در قسمت الف ماده ۵ خالصه و انتقالی بر داشته شود و نوشته شود املاک مزروعی و باغد و مستغلات.
پیشنهاد آقای فهیمی
 بنده پیشنهاد میکنم جمله سیم از ماده ۵ بطریق ذیل نوشته شود:
 اشیاء ساخته شده و مال التجاره موجوده شرکت قبضه روز حساب و بر جمع کل عایدات اضافه میشود و مالیاتی که برای استهلاك كود اموال منقول و غیر منقول الخ و در چنین قسمت الف بطریق ذیل اصلاح گردد: الف - عواید املاک مزروعی و باغات و مستغلات.
پیشنهاد آقای حمزه فانی
 مقام منبع ریاست مجلس
پیشنهاد بکنم قسمت ۲ ماده ۵ باین طریق اصلاح شود: بعد از جمله (مالیات گرفته شود) ماخذ عایدات خالص شرکت سال قبل است:
 و همچنین قسمت ۳ ماده ۵ باین طریق اصلاح شود: بعد از جمله (بقیمت روز) موافق تقویم کیسیون در ماده ۱۹ حساب میشود.
پیشنهاد آقای کاشف
 اینجناب بند ذیل را بماده (۵) پیشنهاد مینماید:
 ج - هرگونه عواید دیگر که مطابق ماده ۱۲ این قانون آنها پرداخته شده باشد
پیشنهاد دیگر آقای کاشف
 اینجناب الحاق جمله (همچنین سهامی که قیمت روز

دارد) را بعد از عبارت (و مال التجاره موجوده شرکت) در جمله سوم ماده (۵) پیشنهاد مینماید.
ایشاً پیشنهاد آقای کاشف
 اینجناب الحاق عبارت (مدیر یا مدیران یا) را بعد از جمله (حقوق سایر داشت های) در بند (ب) از ماده ۵ پیشنهاد مینماید.
ایشاً پیشنهاد دیگر آقای کاشف
 اینجناب اصلاح ذیل را در بند ب از ماده ۵ پیشنهاد مینماید:
 ب - حقوق یا برداشت های مدیر یا مدیران یا شرکائی که در مؤسسات الخ
پیشنهاد آقای وکیلی
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی
 این بنده پیشنهاد می کنم که در قسمت (ب) از ماده ۵ جمله در حد متعارف بوده حذف شود.
رئیس - ماده ششم قرائت میشود:
 ماده ۶ - مالیات بر عایدات نسبت به شرکت های مذکور در بند ب از ماده دوم در مرکز اداری آنها در ایران از منافع کلیه معاملاتی که مؤسسات آنها در ایران خواه بحساب شرکت و خواه بحساب دیگری (توسط شرکت) انجام داده اند اخذ میشود.
 شرکت های مذکوره باید برای کلیه معاملات فوق محاسبه جداگانه نگاه دارند.
 مقررات ماده ۵ از بند ۲ بیحد در مورد این شرکتها نیز مجری میشود.
 در محاسبه مخارج عادی و اداری مؤسسات این شرکتها فقط مخارج مؤسسات واقعه در ایران را میتوان منظور نمود بصره - عایداتی که با سایر خارجه بحساب آمده باینی در موقع تعلق مالیات بترخ روز بیول ایران تسهیر شود.
رئیس - مخالفی نیست؟ آقای فهیمی مخالفید؟
فهیمی - خیر موافقم
رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:
 ماده ۷ - ماخذ مالیات آخرین سنه مالیات شرکتها

قیمت حقیقی دارائی شرکت است منهای:
 الف - سرمایه ای که پرداخته شده و باید بشرکاء مسترد شود.
 ب - ذخیره هائی که قبلاً مالیات آنها پرداخته شده است.
 در مواردی که دارائی شرکت در اثر انحلال باطل دیگر تقسیم میشود مالیات پس از وضع افلام فوق از مجموع دارائی که بشکل نقد یا اسناد ذقیبت و یا غیر آن تقسیم میگردد دریافت خواهد شد.
رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:
 ماده هشتم - میزان مالیات شرکتها مطابق ترتیب ذیل تعیین میشود:
 عایدات خالص سالانه از ۵۰۰۰۰ ریال تا ۲۵۰۰۰۰ ریال
 ۳٪ از مازاد ۵۰۰۰۰ ریال
 عایدات خالص سالانه از ۲۵۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
 ۳٪ نسبت بمازاد ۲۵۰۰۰۰ ریال
 عایدات خالص سالانه از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ببالا ۴٪ نسبت بمازاد ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
رئیس - ماده نهم قرائت میشود:
 ماده نهم - شرکت های مشمول مالیات قبل از ۱۵ خرداد هر سال و یا در ظرف سه ماه پس از خانه عملیات مکلفند:
 اولاً - سوادى از آخرین بیلان و حسابهای خج و ضرر خود که صحت آن از طرف نمایندگان صلاحیت دار آنها تصدیق شده باشد بضمیمه کلیه اطلاعاتی که برای اجرای مقدمات این قانون و نظامنامه های اجرائیه آن لازم باشد بداره مالیه محلی که مرکز اصلی شرکت بینه مرکز اداری شرکت خارجی در ایران در آن محل واقع است تسلیم نمایند.
 ثانیاً - مالیاتی را که بر عایدات آنها تعلق می گیرد تأدیه نمایند.
 در هیچ مورد مالیات شرکتها باینست از مالیات مذکور در ماده ۱۶ کتر باشد.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - اینجا جمله آخر این ماده بنده کماش میبکتم مورد نداشته باشد زیرا شرکت ها ترتیبی که نوشته شده است صورت عایدات خالص خودشان را میدهند بمالیه مالیاتی هم که بآنها تعلق میگیرد مطابق آن اظهار نامه خودشان آرا هم باید بپردازند بعد میگویند در هیچ مورد مالیات شرکتها نیابتی از مالیات مذکور در ماده ۱۶ کمتر باشد ماده ۱۶ این است که وزارت مالیه از روی قرائن و دلائل دیگر مالیات میگیرد حالا این آدمی که اظهار نامه خودش را میدهد چه میداند که مالیه بعد چطور تشخیص خواهد داد ممکن است بعد از رسیدگی اداره مالیه يك مبلغی معین کند که بیش از این باشد اما الان اینکه اظهار نامه داده است صورت عایدات داده است که نمیتواند نتیجه تحقیق مالیه چه خواهد بود بنابراین او مکلف است مطابق اظهار نامه که داده است مالیات خودش را بپردازد. عوائد خودش را تعیین کرده و مالیات خودش را بپردازد بعد اگر مالیه تحقیق کرد و معلوم شد که بیشتر است باید بار اعتراض کنند که شما مالیاتتان بیش از آنچه صورت داده اید خواهد بود و او مکلف است باین که بیاید يك دلایلی اقامه کند و بگوید بیشتر از این نیست یا اگر نیست مطابق ماده بعد رفتار شود اما این که در عین دادن اظهار نامه و پرداخت مالیات مکلف باشد کمتر از آنچه مالیه معین کرده است نباشد این قدری البته مشکل است و گمان میکنم این جمله در اینجا بی مورد واقع شده باشد میشود این را در ماده های بعد که برای صحت اظهار نامه ها قیوداتی می شود در آن جا تأمین کرد اما در اینجا پیش از وقت آنها را عقیدت بعهده بنده سورتی ندارد.

ولیر مالیه - ممکن است پیشنهاد بدهید در کسب و کار چه چیز شود.

رئیس - آقای کاشف

کاشف - در ابتدای ماده ۹ قید کرده است ۱۵ خرداد هر سال. متنهای مدت است و یا در صورتی که سال حساباتی از اول فروردین باشد سه ماه. بعهده بنده مخصوصاً برای شرکتها و مؤسساتی که شعب مختلف دارند در داخل و خارج این غیر ممکن است ۱۵ خرداد ممکن نیست و حد اقل باید چهار ماه فرصت بدهند برای اینکه محاسبات شعب خودش را برسد و نواقض را که دارد رفع شود تا اینکه بتواند بیلان خودش را تهیه کند و تهیه بیلان هم برای مؤسسات بزرگ و شرکت ها مخصوصاً کار آسانی نیست این است که بنده تقاضا کرده ام و پیشنهادی تقدیم کرده ام که اگر میسر باشد آخر تیر مقرر شود.

رئیس - آقای دکتر ظاهری.

دکتر ظاهری - بنده هم غرضم همان چیزی بود که آقای فهیمی تذکر دادند که شرکتها که از روی دفتر عایدات خودشان را معین میکنند و از آن مأخذ مالیات می دهند بایستی همانطور مالیات گرفته شود بعد اگر مالیه اعتراضی دارد و باید آن مقرراتی که برای اختلاف ذکر می شود مطابق آن مقررات رفتار شود و تعیین کردن اینکه از فلان مقدار کمتر نباشد این مورد ندارد و بنده هم پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای انشار

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۹ بقرار ذیل اصلاح شود

ماده ۹ - شرکت های مشمول این قانون قبل از ۱۵ خرداد هر سال و یا در ظرف سه ماه پس از خاتمه عملیات مکلفند اظهار نامه دایر بر کلیه عملیات سالانه با سواد آخرین بیلان که صحت آن از طرف نمایندگان صلاحیت دار آنها تصدیق شده باشد بداره مالیه محلی که مرکز اصلی شرکت یا مرکز اداری شرکت خارجی در آن محل واقعست تسلیم و رسید دریافت نمایند

بصره ۱ - در صورتیکه اظهارنامه تا ۱۵ خرداد بمالیه محل واصل نشده باشد و با اینکه مندرجات آن مورد تردید مالیه محل واقع شود مالیات رأساً از طرف مالیه محل بر طبق ماده ۱۶ این قانون تعیین و تا آخر خرداد وصول خواهد شد و در این صورت اگر مودبان نسبت بشخصیات مالیه اعتراض داشته باشند رفع اختلاف و اعتراض مطابق ماده ۱۹ بعمل خواهد آمد.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود آخر ماده ۹ سطر آخر ماده عبارت در هیچ مورد تا آخر حذف شود

پیشنهاد آقای لاریجانی

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اخیر ماده ۹ (در هیچ مورد مالیات شرکتها الی آخر) حذف شود

پیشنهاد آقای نیکپور

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل از ماده ۹ حذف شود (در هیچ مورد مالیات شرکتها نیابتی از مالیات مذکوره در ماده ۱۶ کمتر باشد)

پیشنهاد آقای کاشف

ابتجانب پیشنهاد میکنم که جمله اخیر ماده ۹ که بگوید (در هیچ مورد مالیات الخ) حذف شود

پیشنهاد دیگر آقای کاشف

این جانب پیشنهاد میکنم که مدت ۱۵ خرداد بمدل بآخر تیر و سه ماه بمدل به ۴ ماه شود
رئیس - ماده دهم قرائت میشود:

۲- مستخدمین دولتی و عملکنی و بلدی و کلیه اشخاصی که از دیگران حقوق دریافت میدارند

ماده ۱۰ - بر کلیه حقوق بگیران اعم از کسانی که از وزارتخانه ها و ادارات دولتی و مملکتی یا بلدی یا مؤسسات تابعه آنها و یا از مؤسسات تجاری صنعتی شرکتها یا اشخاص دیگر حقوق میگیرند مالیات بر عایدات تعلق میگیرد.

کلیه عایدات اشخاص فوق از قبیل حقوق ثابت یا غیر ثابت مدد معاش فوق العاده شهرییه مستغری (مستثنای

حقوق تقاعد) اجرت انعام فوق العاده اضافه کار و نظایر آنها بدون وضع هیچگونه کسوری مشمول مالیات هستند فقط خرج سفر و امثال آن از پرداخت مالیات معاف میشود.

بصره ۵ - مزایای غیر نقدی حقوق بگیران از قبیل استفاده مجانی از خانه و اتومبیل و امثال آن بحقوق نقدی اضافه میشود. وزارت مالیه اجازه داده میشود که مزایای فوق را بطور مقطوع تقویم نماید.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - بنده میخواستم آقای وزیر مالیه يك توضیحی در این قسمت بدهند که از مزایای غیر نقدی حقوق بگیران از قبیل استفاده مجانی از خانه و غیره بنده خواستم سؤال کنم مزایای غیر نقدی که از طرف دولت باشخص داده میشود یا اینکه از طرف اشخاص هم اگر باشد مثلاً اگر پدری خانه به پسرش داده و استفاده مجانی میکنند اینهم مقصود است یا خیر؟

وزیر مالیه - صحبت سر مزایای است که بآنها داده میشود اعم از اینکه دهنده دولت باشد یا شرکتها به مستخدمین خودشان مثلاً يك خانه بدهند که بنشینند

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای امامی

بنده پیشنهاد میکنم که از ماده ۱۰ جلات (اجرت انعام فوق العاده اضافه کار و نظایر آنها) حذف شود
رئیس - ماده ۱۱ قرائت میشود:

ماده ۱۱ - میزان مالیات اشخاص فوق مطابق ترتیب ذیل تعیین و اخذ میگردد.

حقوق ماهیانه کمتر از ۴۲۰ ریال در ماه از مالیات معاف میباشد.

حقوق ماهیانه از ۴۲۰ ریال تا ۵۰۰ ریال در ماه ۱/۴٪ از مجموع حقوق.

حقوق ماهیانه از ۵۰۱ ریال تا ۱۰۰۰ ریال در ماه ۱/۳٪ نسبت بهمازاد ۵۰۰ ریال.

حقوق ماهیانه از ۱۰۰۰ ریال تا ۲۰۰۰ ریال در ماه
۲٪ نسبت بمزاد ۱۰۰۰ ریال .

حقوق ماهیانه از ۲۰۰۰ ریال بیلا ۴٪ نسبت بمزاد
۲۰۰۰ ریال .

تبصره - از حقوق غیر ثابت مانند : فوق‌العاده - انعام
و نظایر آنها صدی سه (۳٪) مالیات اخذ خواهد شد .

رئیس - آقای فرشی

فرشی - بنده میخواستم عرض کنم اینجا که نوشته
است حقوق کمتر از ۴۲۰ ریال تبدیل شود به زیادتر از
(۴۲۰ ریال) بجهت اینکه ۴۲۰ ریال حقوق رتبه دواست
و اگر کمتر از ۴۲۰ ریال نوشته شود صاحبان آن حقوق
هم باید مالیات بپردازند در صورتیکه مقصود این بوده است
که تارتبه دو از دادن مالیات معاف باشند این است که بنده
نظر دارم که کمتر از ۴۲۰ ریال در اینجا تبدیل شود بزیادتر
از (۴۲۰ ریال) .

وزیر مالیه - پیشنهاد فرمائید .

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - چنانچه در نظر آقایان هست پارسال
حسب الامر نسبت بمسخدمین رتبه يك و دو چیزی علاوه
شد یعنی ۲۰ ریال در ماه علاوه شد که علاوه بر ۴۲۰ ریال
۲۰ ریال هم علاوه داده شود و امسال هم این ۲۰ ریال را
میدهند خواستم سؤال کنم که از آن ۲۰ ریال علاوه هم
مالیات میگیرند و بحساب میاورند ؟

وزیر مالیه - کاملاً .

رئیس - آقای کاشف

کاشف - عرض ندارم

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده اینکه در تبصره ماده ۱۱ که نوشته شده
از اضافات و حقوق غیر ثابت صدی سه میگیرند نمی دانم
چه چیز است چه فرق میکند بنظر بنده آنرا هم باید جزء
عوائد حساب کرد و بهمان ترتیب گرفت . علت اینکه آنرا
صدی سه معین کرده اند بنده نمیفهمم .

وزیر مالیه - پیشنهادی دارید بدهید در کمیسیون

است که نوشته است اگر مؤدی هم معترض باشد باید
مالیات را بپردازد و مؤسسات و ادارات مکلفند مالیات
را کسر بگذارند و در ظرف یکماه بمالیه محل تسلیم نمایند
و لو اینکه معترض هم باشند آمدند مثلاً فرض فرمائید
يك مالیاتی علاوه بر آنچه باید دریافت شود تشخیص دادند
و آن پولی که معمولاً در وزارت مالیه میگیرند جمع خزانه
میشود آنوقت پس گرفتن آن پول از وزارت مالیه خیلی اسباب
زحمت است وقتی که يك پول را مالیه گرفت جزو وجوه
عمومی و جمع خزانه میشود و اگر میخواهند پس بدهند محتاج
بقانون دیگری است چنانچه در مقام عمل هم همین طور
دیدیم در ولایات و ایالات يك مالیاتی علاوه گرفته اند
و قتیکه آمده است مؤدی مطالبه کرده است گفته اند که
این جزء خزانه دولت شده و يك قانون دیگری میخواهد
که این پول پس داده شود خواستم عرض کنم اگر ممکن
باشد اینطور در نظر گرفته شود آنچه تشخیص داده اند
و اعتراض ندارند گرفته شود و آن قسمتی که اعتراض دارند
مهلت داده شود که رفع اعتراض بشود و اگر اعتراض وارد
نیود دولت این مالیات را دریافت دارد

وزیر مالیه - گویا نماینده محترم در ماده اشکاه
فرموده اند برای اینکه این ماده میگوید : ادارات دولتی
و وزارتخانهها و مؤسسات و شرکتهای حقوقی که باشخاص
میدهند مالیات آنرا مطابق اینقانون باید کسر بگذارند و
بوزارت مالیه بپردازند و لو اینکه آن مؤدی نسبت بانشرکت
اعتراض داشته باشد مثلاً میگوید من نباید آنقدر بدهم آن
ادارات و مؤسسات مکلفند در آخر هر ماه حقوق که میدهند
مالیات آنرا کسر بگذارند این اسلماً مربوط باین نیست که
مالیه تشخیص داده باشد خود آن شرکت یا مؤسسه یا اداره
و وزارتخانه مطابق اینماده باشخاصی که حقوق میدهد و باید
مالیات بدهند از شان کسر میگذارد و لو اینکه آن مؤدی اعتراض
داشته باشد (طباطبائی دیبا - بدولت باید بدهد یا خیر؟) البته
بایستی بدولت بدهد . اما راجع بآن موضوع که فرمودند وقتی
اضافه گرفتند و چیزی اضافه داده شد و دیده گذاشته شود
عرض کردم که اولاً آنطوریکه تصور میکنید اشکال ندارد

اگر دوره عمل باقی بود پس دادن آن که اشکالی ندارد برای
اینکه اگر امروز يك کسی بیاید و بگوید يك مالیاتی اضافه
داده است قبل از آنکه سنه مالی تمام شود و معلوم شود که
اضافه داده است آن هیچ اشکالی ندارد اشکال وقتی است که
سنه مالی تمام شود و سال بعد معلوم شود که زیاد داده
برای جلوگیری از این کار باید در بودجه هر سال يك اعتباری
پیش بینی شود که اشخاصیکه که اضافه مالیات داده اند
بایستی از آن اعتبار پس داده شود و اگر فرض کنیم که
دولت غفلت کرد مجلس شورای ملی تذکر بدهد که این
اعتبار را در بودجه بگذارند

رئیس - آقای کاشف

کاشف - عرض ندارم

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای قهیچی

بنده پیشنهاد میکنم در سطر هفتم عبارت بطریق ذیل
نوشته شود .

صورتی از اسامی مستخدمین خود که مشمول این قانون
میشوند با تعیین حقوق . . . الخ

رئیس - ماده ۱۳ قرائت میشود

۳ - سایرین مشمولین

ماده ۱۳ - این طبقه از مشمولین عبارتند از :

الف - اشخاص - هیئت ها - تجارتخانه - مؤسسات از
هر قبیل اعم از صنعتی و غیر آن (باستثناء شرکتهای) که
کسب یا تجارت مینمایند .

ب - صاحبان مشاغل آزاد مانند : وکیل عدلیه - طبیب
دندان ساز - بیطار و غیره .

ج - هر کس از عمری سوای آنچه قبلاً در این قانون ذکر
شده عایداتی بدست آورد خواه آن عایدات مستمری باشد
خواه انفرادی

رئیس - آقای ملک زاده

دکتر ملک زاده - در جلسه گذشته در موقعی که کلیات
مطرح بود در ضمن ادله و براینی که آقای وزیر مالیه اقامه کردند

در لزوم اصلاح این قانون عدم موقتیت در وصول آن مبلغی که اطباء و اشخاصیکه شغل آزاد دارند باید پیردازند بود. بنده هم در سهم خود یا کمال تأسف مجبورم اظهار بکنم که شاید يك عده زیادی یا يك عده کمی از آقایان بوده اند که عواید بیشتری داشته اند و نتوانسته اند که حقیقتاً بر طبق آن عوائدشان مالیات دولت را پیردازند ولی چیزی که من میخواهم اینست که این است که آیا این اعتراضات آنها وارد است یا اعتراض بقانون و کسانی که در آن موقع که قانون مطرح بود و اصلاحاتی پیشنهاد شد مخصوصاً برای این قسمت و نتوانستند آن اصلاحات در قانون منظور شود و گذارده شود. اگر آقایان بحفاظت خودشان مراجعه فرمایند این قانون بطور تفصیل و مشروحاً در فرا کسیون مطرح شد و مخصوصاً در آن موقع بنده و آقای دکتر امیراعلم پیشنهادی راجع باطباء و کسانی که دارای شغل آزاد هستند تقدیم کردیم و بعد هم که در مجلس قانون مطرح شد بنده شخصاً يك پیشنهاد مفصلی تهیه کردم و این معاینه را که امروز معلوم شده است تقریباً عرض کردم پیشنهاد بکمسیون رفت و متأسفانه مورد توجه واقع نشد و خواستند همان لایحه که دولت تقدیم کرده است عیناً تصویب برسد. بنده در آن پیشنهاد اظهار کرده بودم و این مطلب در آن وقت گفته شد که اگر رویه را که در تمام دنیا راجع بمالیات بر عایدات اتخاذ کرده اند اتخاذ نمیکنیم که يك رویه خیلی سهل و آسان و عادلانه است از برای این است که بعضی از طبقات مملکت مخصوصاً تجار يك محظورانی دارند که بنده اطلاع دارم که برای آن محظورانیکه در کارشان هست که نمیشود یا میخواهم یا خودشان نمیشوند که بدستك و دفتر و بالاخره بمحاسبات آنها رسیدگی شود این است که این طریق را اتخاذ کردیم که درجات همین کردیم و بهیل آنها واگذار کردیم بنده در آنجا پیشنهاد کردم اگر این محظورات برای آقایان تجار است برای آقایان اطباء و دندانسازان و وکلای عدلیه و سایرین ابداً این محظور وجود ندارد و هیچ مانعی ندارد که يك طبیبی دفتر مخصوصی داشته باشد و این دفتر هم پلمب شده باشد دفتر رسمی باشد عایدات مالیات خود را

در آن دفتر بنویسد و دولت هم الحمد لله همه گونه وسائل را دارد که مسائل خیلی سری را کشف کند چه رسد بمابدان يك نفر طبیب و رسیدگی کنند باین دفتر و آنوقت بر طبق این دفتر و عوائد خودش آن مالیات عادلانه را پیردازد. بعقیده بنده این طریق بود که هیچ محظوری نداشت و بعدالت و حق هم نزدیک بود و امروز هم مجبور نمیشد که نماینده دولت شکایت کند که عوائد دولت از این راه کافی نبوده است و آن نتیجه مطلوبه بدست نیامده است امروز هم همین عقیده را بنده دارم و بعقیده بنده این سهلترین راهی است که راجع باشخصی که شغل آزاد دارند دولت موفق میشود که بدون زحمت و بدون درد سر خیلی عادلانه مالیات آنها را دریافت کند و آنها هم مالیات خودشان را بدهند و البته جای شبهه نیست که اگر يك کسی برخلاف حق خواست که عوائد خودش را کمتر از آنچه هست قلمداد کند و در یکی دو مورد که دولت ثابت کرد و مورد جریمه واقع شدند خصوصاً اطباء که سرمایه آنها در حقیقت آب و رو حیثیت و شرافت آنها است دیگران البته برخلاف آن چیزی که بوده است عمل نمیکند و اگر بخواهیم که واقفاً عوائد این طبقه اشخاص را از روی ظاهر زندگی آنها و فرائض قرار بدهیم این خیلی خیلی مشکل میشود بعقیده بنده الآن ممکن است (نمی خواهم اسم ببرم) عده زیادی از طبیبی درجه اول در این مملکت هستند که از حیث علم و دانش و موقعیت درجه اول محسوب میشوند و شاید که دولت هم و متصدیان مالیات از حیث عوائد خیال کنند که آنها درجه اول از عوائد طبیبی را دارا هستند در صورتیکه اگر بدقت به عایدات آنها رسیدگی شود شاید يك چیزی هم دستی روی کار طبابت میگذارد و اگر آقایان نمایندگان محترم اجازه میدادند بنده هم چند نفر یا عده زیادی را ذکر میکردیم بمکس عده زیاد دیگری هستند که آنها صورتاً يك خانه محقری دارند منتهی از پول زرد بیشتر خوششان می آید تا اینکه يك انومبیل داشته باشند و يك قرالتی در دست نیست از برای آنکه ثابت شود يك استفاده زیادی از کار طبابت

میکند که مالیات آنها از آن رو دریافت شود و چون یقین دارم که دولت گوششان حاضر است برای شنیدن حرفهای حق بنده پیشنهادی در این موضوع کرده ام اگر عرایض بنده را حق تشخیص دادند هم ایشان هم آقایان اعضای کمیسیون این پیشنهاد را مورد توجه قرار بدهند.

وزیر مالیه - عرایضی که بنده در جلسه قبل راجع به تجربه گذشته عرض کردم البته شکایت نبود از آقایان اطباء و وکلای حکایت بود از يك وضعیتی نمیشود هم بگویم آقایان تفصیر داشتند با ما تفصیر داشتیم از این که چرا اعتماد کردیم با اینکه آقایان تفصیر داشتند از اینکه از اعتماد ما سوء استفاده کردند هر کدام از این کلمات که گفته شود خوب نیست پس بهتر این است که نگوییم. اما راجع باین پیشنهادی که بنده در فرمایشات آقای دکتر ملک زاده دیدم یعنی الزام آقایان اطباء و وکلای بداشتن دفتر اینطور فهمیدم که میخواهند بفرمایند این آقایان دفتری داشته باشند و بالاخره از روی دفترشان ببینند عایداتشان چیست. بنده این را خیلی خوب نمیدانم و غیر عملی هم میدانم تا يك اندازه و میترسم که از برای خود آقایان هم اسباب زحمت و غیر عملی باشد چرا؟ برای اینکه ما نمیتوانیم بدقتشان اعتماد کنیم اگر فرض این باشد که ما باید اعتماد کنیم باظهارشان آنوقت بدقت هم نمیتوانیم اعتماد کنیم اگر باظهارنامه که خودشان دادند در گذشته نباید اعتماد کرد بدقتی هم که خودشان مینویسند نباید اعتماد کرد این بر نخورد بکسی اگر بدقت تاجر اعتماد میکنیم دلیل دارد دفتر تاجر باید تطبیق کند با معاملاتش با دفاتر بکنفر تاجر دیگر حسابش این است ولی اگر يك طبیبی بنویسد که عایدات من از محل آن کسانی که آمده اند بمنزل و حق العلاج داده اند بیست و پنج هزار از معالجه هائی که رفتم در منازل اشخاص کرده ام و حق العلاج گرفته ام چهار تومان آن خودشان حق میدهند که حق دارد مالیه فریبند کند در این برای اینکه واقفاً چه دلیل است میفرمایند حسن اخلاق اگر این است که باید باظهارنامه اش هم

اطمینان کرد اگر واقفاً نمیتوانید بگوئید که آنچه در دفترش مینویسد صحیح است و آنوقت از روی دفتر آخر سال حساب میکنند هر چه قدر عایدات داشتند مالیات میدهند آنوقت بر میگردد باین صورتیکه حالا هست و این راه هم تصدیق میفرمایند که عمل نیست بنده این راه ضمناً عرض کرده باشم البته با آقایان اطباء و آقایان و وکلای قانون اجازه داده بود که هر طور میخواهند مالیات بدهند و بآنها هم چندان ابراری بود پس بنده نمیشود حرفی بزنم که خارج از اصاف و نزاکت باشد نسبت بیک طبقه چه آقایان و وکلای چه آقایان اطباء که واقفاً از طبقه منورال فکر این مملکت هستند ولی میخواهم عرض کنم که در هر طبقه اشخاص هستند که آطورری که باید بتکالیف خودشان رفتار نمیکند در تمام طبقات هست در اطباء ممکن است باشد در وکلای هم ممکن است باشد و در همه طبقات ممکن است باشد و ما قانون را که میگذرانیم باید طوری باشد که شامل آنها هم بشود اگر ما آمدیم با اعتماد اینکه بدست غیر با صد نفر از اینها اشخاصی هستند که حتماً حالا که معلوم شد روی پایه عایداتشان باید مالیات بدهند عایدات خودشان را کتمان نخواهند کرد آیا میتوانیم بگوئیم که هم شان اینطور هستند؟ خود آقا هم یقیناً این را تصدیق خواهند نمود وقتی که نمیتوانیم بصرف اعتماد بانها قناعت کنیم دیگر بآنچه هم که خودشان در دفتر مینویسند نمیتوانیم اعتماد کنیم برای اینکه دفتر آنها دفتر تجاری که نیست طوری نیست که بنده بتوانم بروم بکلیه اشخاصی که باو مراجعه کرده اند بگویم دفترتان را در بیاورید و به بینید همانطور که از قبل شما قلاخدر بول گرفته اند شما هم نوشته اید که بهم بخورد این طور که نیست همه اشخاص که دفتر ندارند پس بنابر این است که عرض میکنم عملی نیست و خوب نیست و ممکن است مضر هم باشد چرا؟ برای اینکه همیشه در که شما اختیار دادید باین که بیاید يك کسی يك همچو دفتری تزیین بدهد خدای نکرده و سوسه کرد شیطان او را و دفترش را ساخت فکر کنید اخلاقاً این را چه جور شخصی درست کرده اید پس بهتر این است که این

کار را نکنند و او هم بهتر این است که خراب نشود و يك كاری نباید کرد که اخلاق جامعه فاسد شود برای اینکه در يك طبقه انور الفکرش يك همچو چیزی باشد در گذشته اگر بنده ابرادی دارم بشکل گله است قانون اجازه داده بود که هر طور دلغای میخواهد مالیات بدهند بنده حق دارم و نه قانوناً کاری برخلاف ترتیب کرده اند قانون اجازه داده بود که هر مقدار که میخواهند بدهند قانون این طور بوده است ولی اگر آمدیم امروزه گفتیم بر پایه و متناسب عایداتان مالیات بدهید و خودتان حساب درست کنید اگر برخلاف واقع آمدند و دفتری درست کردند اینجا دیگر صحبت گله نیست صورت دیگری دارد بنا بر این بوسیله این قانون ممکن است ما اشخاصی را تشویق که خیر ولی تا اندازه کاری کنیم که وسوسه نکنند و بیایند دفتر بسازند برای اینکه عایدات خودشان را کم کنند. اما راجع به این قرائن البته در این قرائن صحبت خواهد شد و عقیده دارم که آقایان در آن قسمت قرائن آلتوری که لازم است وارد نشده اند و توجه فرموده اند قرائن بطور کلی نیست يك چیزهای مسلمی است نمیشود گفت باز هم تکرار می کنم که آقایان مبالغه می کنند وقتی که میگویند مردم زندگانشان روی پایه دارائیشان نیست ممکن است در عده این طور باشد ممکن است واقفاً عده باشند بی مبالا باشند ولی ممکن نیست يك مملکتی افراد آن تمام بی مبالا زندگانی کنند بدون تناسب با دارائی این عملی نیست یکسال می کند دو سال می کند این معقول نیست و نمیشود این کار را کرد و خرج متناسب دارائی می شود. شما می فرمائید يك کسی را می شناسم یا کسانی را که در درجه اول معلومات هستند و مالیه ممکن است خیال کنند اینها دارای درجه اول عایدات هستند در صورتیکه عایدی زیاد ندارند خیر مالیه هرگز این تصور را نخواهد کرد مگر مالیه تصور می کند که علم بخودی خود ایجاد پول می کند باینکه مالیه خواسته است از علم مالیات بگیرد که چون يك کسی دارای درجه اول معلومات است فوراً او را دارای درجه اول از عایدات بدانیم ما از روی عایدات مالیات می گیریم عایدات را ما از کجا تشخیص میدهم در درجه اول ما وقتی که بهش فرسیده ایم تا وقتیکه

نیامده ایم رسیدگی کنیم به اینکه به بینیم چه جور خرج می کند باز بر می گردیم بآن اصل که ای بسا اشخاصی که بدون اینکه داشته باشند خرج می کنند حالا این چطور می شود بله بکمال ممکن است شش ماه ممکن است اما اساساً باید پایه زندگانی این باشد که هر مقدار که عایدی دارند اشخاص خرج می کنند عرض کردم در غیر این صورت معنی این این است و هیچ معنی دیگری را من نمی توانم قائل شوم با این است که عایداتی ندارد و مال دیگران است و بر می دارد و خرج می کند یا این که در بار زود بایستی به بار که رجوع کرد و برایش قیم معین کرد و هیچ شق نك ندارد بنده تصور می کنم چون باز این موضوع شاید در ماده ۱۶ هم پیش بیاید پیش از این حالا عرض نمی کنم و تصور می کنم آقایان به این امری که الان پیش آمده است و این مسئله قرائن بکفوری بیشتر توجه فرمائید و در خلاف آنچه که بنده تصور می کردم می بینم در آقایان اثر نکرده است بنده خیال می کردم که محکمترین پایه که می شود پیدا کرد با باید باظهارنامه او قناعت کرد هر چه که گفت ما آمدیم گفتیم که ما حق نداریم به مالیات بده بگوئیم که هر چه ما گفتیم بده پس چه باید کرد؟ گفتیم يك میزانهائی را معین می کنیم آنهم با آن مقدمات که در قانون ذکر شده است که این آدم آقدر عایدات دارد از روی قرائن حساب بکنیم و بعد هم با حق بدهیم که اگر اعتراض داشته باشد بیاید اعتراض کند و ثابت کند و بنده نمی دانم چطور شده است که بدون اینکه آقایان وارد جزئیات این فکر بشوند يك مرتبه این مسئله قرینه را خیال کردند قرینه بعضی عادی و اصطلاحی است که بقرینه انسان يك حدس بزند و مثل این است که چوب انداز باشد خیر اینطور نیست و پایه محکمی دارد ممکن است آقایان در موقعیکه کمیون میخواهد این قرائن را رأی بدهد آن وقت گفت بکنند و تشریف بیاورند اگر دیدند يك قرائن غلطی دارد مأخذ نمیشود و گذاشته میشود اصلاح بکنند

ولی در اساس قضیه گمان میکنم این يك اساسی است که عمده تر از آن نتوانستیم پیدا کنیم. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
الرئیس - خیر کافی نیست.
رئیس - بنده وقتی که گفته میشود کافی است مجبورم کنی بدانم مگر این که معارض داشته باشد.
الرئیس - بنده معارضم.
رئیس - بفرمائید.
الرئیس - در قسمت آخر این ماده يك چیزهایی است اگر توضیح ندهند اسباب اشکال خواهد شد و بنده لازم میدانم تذکره شود و توضیح داده شود که رفع اشکال بشود اگر آقایان اجازه بدهند توضیح بخواهم اگر اجازه ندهند باشد برای خود دوم بهتر این است که يك توضیحی بخواهم که رفع اشکال بشود و اگر ممکن نیست اجازه نمیدهند پیشنهاد میدهم و در شور دوم حرفه میزنم (بعضی از نمایندگان - بفرمائید) این قسمتی که در این جا نوشته شده است که هر کس از عمری سوای آنچه که قبلاً در این قانون ذکر شده عایداتی بدست آورد خواه آن عایدات مستمری باشد خواه اتفاقی. این را بنده میخواستم توضیح بخواهم چون عبارت اتفاقی را چند جور ممکن است تعبیر کرد مثلاً اگر يك کسی پدرش مرد و ازنی باو رسید از او هم بگیرند این یکی دومین که مثلاً يك کسی خیابانی نزدیک منزلش شد یا زمین قدری بازده قرانی پنج تومان شد اگر توضیح داده نشود در عمل اسباب اشکال خواهد شد و گرفتار میشوند مردم باین که يك قناتی را درش ده هزار تومان بدست هزار تومان خرج کرده اند و امسال آب آن بیرون آمده و يك مقداری عایدی دارد این اضافات اگر جزء عایدی نیست که بنده عرضی ندارم توضیح بدهید و اگر هست بفرمائید - لا میفرمائید مذاکره نکنیم پیشنهاد میکنم که در کمیسیون صحبت شود که رفع اشکال بشود و حالا وقت تلف نشود
وزیر مالیه - آقا دو مطلب را سؤال کردند یکی اینکه مالی که بطور لزوم به کسی میرسد جزء عایدی اتفاقی حساب

می شود یا خیر عرض میکنم خیر دیگر این که سؤال کردند که اگر مالی يك کسی دارد حالا خواه زمین باشد یا چیز دیگر آیا اینهم اگر افزایش پیدا کرد این هم جزء عواید بود؟ عرض میکنم اینهم خیر.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای کاشف:

اینجناب پیشنهاد مینماید که در بند الف از ماده ۱۳ بعد از عبارت (مؤسسات) کلمه (انتفاعی) یا (تجاری) علاوه شود
پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده:

پیشنهاد میکنم قسمت ب - از ماده ۱۳ راجع به صاحبان مشاغل آزاد بترتیب ذیل اصلاح شود

ب - صاحبان مشاغل آزاد مانند طبیب دندان‌داز وکیل عدلیه - بیطار و غیره هر يك دارای دفتر مخصوصی که در آن عایدات خاصه سالیانه خود را نوشته و برطبق آن طریق ذیل مالیات خواهند پرداخت

عایدات خالص از ۷ هزار الی ۸ هزار ریال صدی يك از ۸ هزار الی ۱۴ هزار ریال صدی يك و نیم از چهارده هزار ریال الی ۲۴ هزار ریال صدی دو از ۲۴ هزار ریال الی ۳۶ هزار ریال صدی دو نیم از ۳۶ هزار به بالا صدی سه

رئیس - آقای اعتبار پیشنهادی کرده اند که بنظر بنده موافق است چون مطبوعاً باید بداد ظاهر جلسه داشته باشیم برای خاطر این که از ۳۳ ماده تا کون ۱۳ ماده را خوانده ایم پس بهتر این است که حالا برویم و بداد ظاهر برگردیم

وزیر مالیه - البته هر طوری که آقایان نظر داشته باشند خوب است و بنده تصور میکردم اگر یکی دو ماده دیگر مطرح میشد بهتر بود و چیزی نیست زیرا از آنطرف وقت آقایان گرفته نخواهد شد که دیر بروند (بسیار خوب)

رئیس - (خطاب به آقای جهانشاهی) شما مخالف بودید
جهانشاهی - بنده با پیشنهاد آقای اعتبار مخالف بودم
رئیس - آقای اعتبار هم خودشان پس گرفتند
 ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - مالیات سالیانه مشمولین مذکور در ماده ۱۳ به نسبت عایدات خالص آنها در طرف سه سال مالی قبل و هر گاه سال محاسباتی آنها با سال مالی تطبیق نکند به نسبت عایدات خالص که محاسبه آن در سه قبل بسته شده گرفته می شود. این ترتیب مانع از اجرای مقررات ماده ۱۶ نخواهد بود.

در مواردی که در سه مالی جاری مشمولین شروع به تحصیل عایدات کرده باشند مالیات خود را باید طبق مقررات ماده ۱۶ تأدیبه نمایند

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عرض در این دوسه ماده تقریباً یکی است زیرا این قانون که مصلح قانون تجارت محسوب فروردین ۳۰۹ است فقط در این قسمت با آن فرق دارد. همین سه قسمت مشمولین اساساً با آن قانون فرق دارد و الا در قسمت های دیگر چندان فرقی ندارد. در قسمت شرکت ها آن قانون مالیات بر عایدات بود این هم بر عایدات است. در سه قسمت پایه اش یکی است منتهی چند فرق دارد. در قسمت مستخدمین و حقوق بگیرها همان زمینه است در قسمت شرکت ها هم آن قانون روی عایدات بود. اینجا هم روی عایدات است. در قسمت قبض و چک ها هم ماخذش همان است که در آنجا بود اصولش یکی است. در قسمت سوم که عبارت از مشاغل آزاد و تجارت خانها باشد در این ماده الا آن مطرح است اصلاحاً پایه مالیات فرقی کرده یعنی طرز مالیات بیشتر طبقاتی بود حالا بر عایدات است. بنده در جلسه سابق عرایضی کردم حالا هم می خواهم عرض کنم در آن سه قسمت اصلاحاتی که شده خیلی ضرر مردم نیست به وقع دولت هم نیست فقط يك قسمت هایی است که آنوقت هم بدستشان می رسید. ولی در این قسمت تغییری داده شده به عقیده بنده هم ضرر دولت تمام می شود هم ضرر مردم. هر دو یعنی دولت و مردم زحمت می افتد بنده معتقد هستم که در این قسمت طرز مالیات را باید روی همان طبقه بندی بگیرند نه روی پایه. ممکن است پایه ها را تغییر بدهیم ولیکن اصول را روی همان طبقه بندی بگیریم منتهی باید قبولانی که در آن قانون پیش بینی نشده بود یعنی کنترل های بیشتری بشود. زیرا این يك طرز

رئیس - آقای فومی

فومی - در جلسه گذشته هم آقای دکتر طاهری در ضمن مذاکره در کلیات مخصوصاً در قسمت عرایض بنده چوایی فرمودند و گفتند بر خلاف نظر لایحه من این قانون را عادلانه تر میدانم (دکتر طاهری - عملی تر عادلانه تر) عملی تر یا عادلانه تر حالا فرمودند اینجا هم برای مردم وهم برای دولت مضر است. بنده حالا يك عرضی

عرض میکنم که خودشان تصدیق بفرمایند که کدام عملی تر و بهر است. در قانون سابق چهار درجه اول را معین کرده بود آنها ای است که در سال معاملاً از شصت هزار تومان تجاوز کند اینها باید در سال دوست و پنجاه تومان بدهند خوب. آنکسی که در سال از شصت هزار تا صد هزار تومان بیشتر معامله میکند ممکن است هزار تومان فائده ببرد یا پنجاه هزار تومان فائده ببرد در هر حال این دوست و پنجاه تومان میدهد ممکن است که ده هزار تومان ضرر کند باز هم همان دوست و پنجاه تومان را میدهد. پس این هیچ جایز عادلانه نیست. يك آدمی که ضرر کند یا مطابق سرمایه اش فائده ببرد هر دو يك میزان مالیات میدهند. همین طور طبقات دیگر تجار و اصناف در این قانون میگوید اگر ضرر کردند هیچ. اگر هم منقوت نمی کنند باز هم هیچ اگر عواید خالصی که دارد فقط پانزده مخارجش است باز هیچ اگر عوایدی خالص داشت آنوقت به نسبت عوایدی که دارد مالیات بدهد آنهم بيك تناسبی. معنی مالیات بر عواید هم همین است که مالیات را از روی عواید خالص که بدست می آید بگیرند. اگر عوایدی ندارد که هیچ. بنا بر این اگر شما میزان بگیرد شش خاصی که هزار تومان یا ده هزار تومان یا پنجاه هزار تومان بیشتر یا کمتر عواید میبرند مالیات بدهند غالباً از دوست و پنجاه تومان بیشتر نخواهد شد. بعضی ها از دوست و پنجاه کتر و عده زیادی هم ممکن است از دوست و پنجاه تومان زیادتر بدهند و این تکافو میکند با کسانی که ملاحظه فرمودید. اما در قسمت تحقیق و تفحص. این را بنده عرض میکنم منحصر باین جا نیست در تمام دنیا برای مسئله تشخیص عوایدی که بودیدان مالیات تعلق میگیرد گرفتار و در زحمت بوده اند یکی از علمای مالیه در کتاب خودش می نویسد اظهارنامه را نباید ملاحظه قرار داد برای گرفتن مالیات. برای این که ضرر اخلاقی دارد و می گوید هیچ شخصی (طبیعت بشر این طور است) حاضر نیست واقعا - و وضوحات و اطلاعاتی بدهد که در نتیجه فهمیدن بر او وارد آید

بلکه سعی دارد طوری بکند که خودش را از زیر بار تحویل نمیدی بیرون بیاورد. از آن طرف بندرت اتفاق می افتد که مطابق حق تشخیص بدهند بنا بر این يك طبقه که مؤدیان باشند همیشه سعی دارند که بر خلاف واقع اظهاری میکنند از آنطرف هم مؤدیان مالیات کمتر اتفاق می افتد اظهارنامه يك کسی را صحیح بدانند و بدون سوء ظنی تلفی کنند همیشه تردید خواهند کرد. پس نتیجه این میشود يك دسته همیشه حاضرند برای خلاف واقع گفتن يك دسته هم حاضر می شوند برای سوء ظن پیدا کردن. پس باین دلایل سیستم اظهار نامه را باید از میان برداشت. این مسئله معلوم می کند که همه دنیا در این که دفاتر منظم و مرتب دارند باز گرفتار این چیزها هستند. در قانون سابق هم این اشکالات بود و اگر فرض بفرمایید بود تشریف بیاوردند بوزارت مالیه ملاحظه خواهید فرمود که هر روزه چه اشخاص با دفاتر و کتاب هایشان آنجا حاضر میشوند و از روی همان دفاتر شان باید بگیرد من تاجر درجه اول یا دوم. این اشکالات بود. حالا هم همان زحمت را برای این قسمت عواید شان دارند اگر سیستم سابق طوری بود که این اشکالات را نداشت می گفتیم خوب عیبی ندارد. اما خبر. این اشکال بود و همه روزه مردم با دفاتر شان بوزارت مالیه می آمدند و جمع میدهند برای اینکه معلوم کنند چیزی مستند یا تاجرند یا عواید و فروش و معامله شان چه قدر بوده از این گذشته به فقط تاجر و کسبه بلکه همه مردم حقیقتاً باید عادت کنند باینکه اصول مرتبی در زندگی شان داشته باشند کسی که اسمش تاجر یا کسب است (هر چه هست) باید يك دفاتری داشته باشد اگر شرکت است بیلان باید داشته باشد. يك چیزی داشته باشد که در چه اعتبار آنها را بخوبی معین کند. و از روی همان دفاتر بیلان معین شود عواید شان چه قدر بوده و مخارجشان چند. نظر ثان هست که در ابتدای آن مالیات و قانون

سابق همین اشکالات بود تا بالاخره جاری شد و بجز این افتاد. حالا هم همین طور است. بالاخره وقتی که مردم ملتفت شدند که این مالیات به صرف خودشان میرسد خوشوقت می شوند و از بکتوم داشتن و زیر بار نرفتن حتی الا امکان خود داری خواهند کرد. امارات و قرآن هم که در اینجا نوشته شده البته ضمن نظامنامه پیش بینی خواهد شد. امارات و قرآن برای موقعی است که آنها در اظهار نامه خودشان از اظهار حقیقت خود داری میکنند با اینکه اصلاً اظهار نامه ندهند در این صورت باید البته يك راهی باشد که باور بالیه بتواند از حقیقت امر اطلاع پیدا کند بهترین راه برای مالیات عادلانه همین است که اول خودش اظهار نامه بدهد بعد باور بالیه هم قرآن و دلایل صحت و عدم صحت آن را تعیین کند و غیر از این راهی چه برای این قانون و چه برای قانون سابق پیدا نمی شود.

دلیلی - آقای ناصری

ناصري - در تکمیل فرمایشات آقای قومی خواستم عرض کنم که این لایحه مالیات بر عایدات است و در لایحه مالیات بر عایدات نمی شود يك طبقه را مستثنی کرد و يك شکل دیگری قرار داد. بهترین راه این است که مردم عادت کنند صورت عواید خودشان را بدانند و بدهند و لایحه متحدالشکل و يك سیستم شود.

دلیلی - دکتر طاهری

دکتر طاهری - اولاً لازم نیست عرض کنم جا اصولاً که این جا مذاکره میکنم از نقطه نظر اشکال تراشی و مخالفت در اساس نیست میخواهیم لایحه تهیه شود و خوب تدوین و تصویب شود تا مردم برای دولت يك عوایدی حاصل شود و مردم برای مردم زحمتی نباشد. مقصود این است که این که - سؤال و جوابی بشود. بنده عرض نکردم مالیات بر عایدات يك مالیات غیر عادلانه است بنده عرض میکنم مالیات باید طوری گرفته شود که عملی باشد و بطورزی که عملی فرست اخذ شود تا زحمتش کمتر و عایداتش بیشتر باشد. بنده عرض میکنم اگر میخواهیم عواید مردم را

باین طرز همین بکنیم بيك سوء اخلاقی دیگری مردم را واداره میکنیم و آن این است که کم کم مخفی میکنند. ما اگر نخواهیم در زندگانی اشخاص دخالت کنیم و به بیایم چه جور زندگانی میکنند و میخواهیم از جزئیات زندگانی مردم استفاده ببریم اصلاً چه چیز مانع از این است که سرمایه شان را خارج کنند؟ ما نباید طوری رفتار کنیم که طرف (هودی) مجبور باشد بيك استوار هلی بکند. بعقیده من اگر يك مالیاتی گرفته شود که متناسب (عادلانه) را کار ندارم) البته عادلانه در همه قوانین هست مقصود این است اگر مالیاتی گرفته شود که متناسب با اوضاع بودنیان بود و سهل تر و ساده تر و عادلانه باشد اسباب اضطراب و وحشت هم برای مردم نباشد بهتر است. و بنظر من اگر چنانچه باید همان مالیات را قدری کمتر است را زیادتر کنیم هم نفع دولت درش است و هم نفع مردم يك نفر تاجر که خودش صورت میدهد از چه درجه است اگر از روی دفترش همین کنند و تشخیص بدهند که از چه درجه است این بهتر است و زحمتش کمتر است تا این جور. تاجر با هر کسی دیگر باشد. مگر اشخاصی درجه این غیر هستند چند برابر این مالیات میدهند تا در صورتیکه مزاحمتی هم کسی با ایشان ندارد. منظور بنده این نیست که مالیات زیاد شود. منظور بنده این است با این که چیز زیاد میکنند استفاده زیاد کنند اما این کم گفتند بنده عایدات از روی عدالت پیش بینی شده (آقای قومی) نوچه بنفرماید) خواستم این را تذکر بدهم که بادهم که به می آید پایه مالیات را از روی قرآن و امارات تعیین میکنند و هودی بكاف است بپردازد بود در جاده ۱۷ بیکه اظهار نامه باید بدهد مشروط بر اینکه اظهار نامه اش را از امارات و قرآن بنماید. این عادلانه است تا این است که بنده عقیده ام این است که در اینجا (نه از نقطه نظر اینکه بنده عرض کردم جوابی بدهند) باید راه حلی فکر کند که يك چیز سهل و ساده باشد.

ولی بالیه - وقتی که در يك لایحه شور میشود اساساً برای این است که نظریات و حرفهای مختلف

گفته شود تا به بندهم بچه نزدیک بهتر و عملی تر است. مقصود اصلی این است. بنا بر این چه مذاکراتی که آقایان میکنند چه عراضی که بنده میکنم همان کاری است که باید بکنیم یعنی عقاید مختلف گفته شود بحث شود در این مطالبی که آنها از هودند يك تکه های صحیحی است در درجه اول این است که بفرمایند يك کاری باید بکنیم که بهتر باشد و سهل آن. بنده هم معتقد هستم که کمتر باید وارد در زندگانی اشخاص بشویم علتش این است که گاهی انسان در عمل نمی تواند مقاصد خودش را بیاورد و به موقع عمل بکند. مثلاً میخواهیم ما يك کاری بکنیم که مالیات و عواید سهل تر باشد. آن چه جور باید باشد؟ گاهی فرمالیتهای بندهی کتبی را چه باین چند مطلب است. یکی این است که اصلاً در جدولین ماده ۱۳ هم تجارت و اصناف بستند تا طبقه بندی کنیم. هم را چه طور طبقه بندی کنیم (طاهری) - وکلای درجه اول و طبایع درجه اول و تاجر درجه اول که هستند (بله آقا) باز رفتیم سر چیزهایی که مقیاری بحث کرده ایم. دیدیم در این جا هیچ چاره نیست و باید آهسته رسیدگی کرد به عایدات. و معاذل آزاد تنها بهر و عبارت از وکلاء عدلیه و اطباء و دندان سازها نیست. خیلی کارهای دیگر هم هست. اگر طبقه بندی را راجع به تاجر و اصناف می گفتید قبول می کنیم که از برای يك عدول زیادی از هود این درجه بندی ناقص شویم. اما هر نسبت از قسمت ها را میخواهیم طبقه بندی کنیم نه هود تنها فرمودید وارد جزئیات مردم نشوید. بنده هم نمی خواهم وارد جزئیات شوم. چون وارد جزئیات نمی خواهم بشوم این بود که آدم این طور قرار داد اگر بنده می خواستم به تمام جزئیات رسیدگی کنم که قرآن را هم از این قرار نمی دادم. آدم يك قرآنی را در کار گرفتیم برای اینکه دفتر مردم را در ورق بکنیم و اسباب زحمت نشویم. منتهی یکی از همین قرآن را در قانون سابق ماخذ گرفتیم و آن عبارت بود از میزان فروش زیرا آن هم فریفته بود یعنی این که

قانون میگوید اشخاصی که از دست هزار تومان به بالا فروش داشته باشند در سال تاجر درجه اول حساب میشوند چیست؟ یعنی فریفته بیکصد دست هزار تومان فروش را برای تقریباً شش هزار تومان عایدی پس آن مالیات هم پایه اش بر روی همین بود که فریفته در کار باشد منتهی ما در این قانون گفتیم يك فریفته کافی نیست و ممکن است من فروشم زیاد باشد ولی ضرر بکنم پس آدمیم و گفتیم قرآن دیگری هم باشد من جاه (چنانچه در خود لایحه هم هست) یکی از قرآن میزان فروش است پس وقتی که آدمیم در یک کی و نه هفتاد و یکم در یکم و ممکن است در باره تاجر و اصناف همان میزان فروش را فریفته بگیریم اگر اصابت شد همین را ماخذ بگیریم. عجب اینست که آقایان تاجر در اینجا بسته اند يك کدام صحبت میکنند و بلند نمیشوند من كلك كنند با اینکه دلیل بیاورد بر علیه من و آقای دکتر طاهری از طرف تاجر صحبت میکنند اگر این صحیح نیست پاسورید و بفرمایید پس فردا خودتان زحمت خواهید داشت یا شویید دلیل بیاورید ما که نظری نداریم ما که نمیخواهیم زحمت افراد را فراهم بیاوریم. آن آقایانی که وارد کارند بگویند اگر تنها میزان فروش فریفته خوبی است ممکن است در یکم و دو این والیه وقتی که بحث میشود از برای تاجر فریفته همان میزان فروش سالمانه باشد اگر گفتند خیر این فریفته بتنهالی کافی نیست و باید یکی دو تا فریفته دیگر بآن ضمیمه کرد ضمیمه میکنیم. ما همان طور که گفتید نمیخواهیم وارد جزئیات شویم اما میزان و پایه را روی چه قاعده باید تشخیص بدهیم شما بفرمایید روی فروش. خود این يك فریفته است که - یون با هر کسی آخر باید يك میزان و عوایدی داشته باشد تا روی او عمل کند اینکه بفرمایید باید اظهار نامه بدهد صحیح است باید اظهار نامه بدهد فرمودید اظهار نامه شان نباید کمتر از میزان فریفته باشد اینطور نیست بنده تصور میکنم عبارت نوشته آن عایدات نباید کمتر از فلان باشد نه آن اظهار نامه عایدات نباید کمتر از قرآن باشد وقتی

فرض بر مالیده افریننده گرفتار دکان با مغازه ماهی پنجاه تومان را با میزان فروش و یک فرینده دیگر و گفتند این شخص با این سه فرینده که مثلاً در کاری است دارای سالی دو هزار تومان عایدات است از برای اینکه اولاً بنده بدانم این کرایه دکان و میزان فروش چقدر است چه جور میتوان این کار را بکنم؟ مگر اینکه خودش اظهار کند پس در درجه اول تا چهار است اظهار نامه بدهد برای اینکه معین کند و بگوید مثلاً فلان قدر کرایه دکان با خانه داده ام و ما راه دیگری نداریم پس اظهار نامه ضروری است. وقتی که اظهار نامه داد ما هم کنترل میکنیم. مالیات هم مطابق آن اظهار نامه باید بدهد حالا اگر ما روی یک فرائض دیدیم اصولاً این مبلغی که صورت داده کمتر از آن چیزی است که از فرینده حاصل میشود مطابق همان صورتی که خودش داده باید مالیات بدهد مثلاً از روی سه هزار تومان عایداتی که معین کرده. معنی این ماده همین است که بنده توضیح دادم و در آخر ماده ملاحظه بفرمایید. دادن اظهار نامه ضروری است برای اینکه اگر اظهار نامه ندهد مانعی توانیم بکنیم زندگانی او بچه صورتی است. البته کرایه دکان دارد اما آبا چقدر است اول من بروم بعدی کنم؟ خبر. اول خود او باید معین کند که کرایه دکان با میزان فروش و سایر چیزهایی چقدر است با آنوقت برویم روی آن محاسبات خودمان را میکنیم با وجود مسائلی که عرض شد اگر باز آقایان یک فورمولی بنظرشان میرسد که از نقطه نظر نتیجه برای ما مردم بهتر و عملی تر است یعنی از جهت عایدات بدوات صدها معینند و بمردم هم زحمتی وارد نمی آید بفرمایند البته بنده آن فرمول را ترجیح میدهم باینکه خود آورده ام. (چون از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادات فراغت میشود

پیشنهاد آقای کاتب

اینجانب پیشنهاد میکنم که جمله ما قبل آخر ماده

۱۴ که میگوید (این ترتیب مانع از اجرای مقررات ماده ۱۶ نخواهد بود) حذف شود

پیشنهاد آقای پور سرداب

مقام منبع ریاست جلیله دامت شوکته

به نظر بنده برای تعیین عوائد اطباء لازم است که باین ماده (۱۴) بصره ذیل اضافه کرد

بصره - مدیران دواخانه ها موظف هستند دواهایی را که مطابق نسخه طبیب بمصرف فروش میرسانند در دفتر بویبه اسم طبیب معالج را ثبت و ملزم باشند که هنگام تقاضای مأور مالیه دفتر خود را ارائه دهند

رئیس - ماده پنزدهم قرائت میشود ولی آقای اعتبار معتقدند تنفیسی داده شود (صحیح است) پس حالا تنفس میدهم و جلسه دو ساعت و نیم بعد از ظهر (عدداً از نمایندگان سه باشد) بسیار خوب سه بعد از ظهر خواهد بود.

[در اینموقع (چهل دقیقه بعد از ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و برای ساعت چهار بعد از ظهر بر ریاست آقای دادگر مجدداً تشکیل گردید]

رئیس - ماده پنزدهم قرائت میشود

ماده ۱۵ - میزان مالیات مشمولین مذکور در ماده ۱۳ مطابق ترتیب ذیل تعیین میشود:

عایدات خالص سالانه از ۱۰۰۰ الی ۶۰۰۰ ریال ۱/۱۰ از مجموع

۱۰۰۰ الی ۶۰۰۰ ریال	۱/۱۰
۶۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰ ریال	۱/۲۰
۱۲۰۰۰ الی ۲۴۰۰۰ ریال	۱/۳۰
۲۴۰۰۰ الی ۳۶۰۰۰ ریال	۱/۴۰
۳۶۰۰۰ الی ۴۸۰۰۰ ریال	۱/۵۰
۴۸۰۰۰ الی ۶۰۰۰۰ ریال	۱/۶۰

رئیس - آقای فوری

لهیبی - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در این ماده پانزده همانطوری که در ماده چهاردهم عرض کردم چون میزان مالیات مشمولین را روی عایدات گرفته بفرموده بنده همان زحمتی را که قبلاً عرض شد تکرار میکنم و یعنی هم برای دولت ضروریست

و بنقیده بنده اگر طبقه بندی بشود یعنی اساس روی طبقه بندی باشد بهتر است و امیدوارم آقای وزیر مالیه هم موافقت بفرمایند با این نظریه منتهی در اصل طبقه بندی آن بنده عرض ندارم که حالا کمتر باشد یا زیاد تر یا فلان طبقه بکفتری کمتر بدهد یا زیاد تر اینها را بنده حرفی ندارم که با توافق نظر در کمیسیون درست بشود ولی اصولاً از روی طبقه بندی مالیات گرفته شود در این قسمت بعقیده بنده مناسب تر است و برای دولت هم ضروری نخواهد داشت برای مردم هم بهتر است

ولری مالیه - بعد از جلسه امروز صبح بنده در خارج به بعضی از آقایان نمایندگان محترم و خصوصاً آقایان اعضای کمیسیون عرض کردم که یک قسمت از بیانات آقای دکتر طاهری مطالبی دارد که قابل خیلی توجه و دقت است و خوب است بنشینیم دقت بکنیم بکفتری فکر بکنیم بلکه یک طریقی را پیدا کنیم که هم از نقطه نظر اصول مالیات بهتر باشد و هم زحمت کمتر داشته باشد و هم این تذکراتی را که دادند حتی الامکان بشود اینها را در نظر گرفت بعضی آقایان صرف وقت کردند بیساعتی و مجدداً ایشان خواهش کردم سه بعد از ظهر آمدند و از نوشتن بکفتری صحبت کردیم یک فکرهایی را هم که خود بنده کرده بودم به آقایان عرض کردم برای اینکه بینیم چه طور میشود جمع کرد این دو نظر را. اولاً آنچه بنده استنباط کرده بودم از مجموع بیانات آقای دکتر و بعضی آقایان دیگر بیشتر اشکال در مراجعه بدفاتر و رسیدگی بدفاتر تاجر بود (صحیح است) در قسمت شرکتهای کسی را ندیدم که اشکال داشته باشد در هر صورت بیلان دارند و لکن البته از برای تجاری که بطرز افرادی تجارت میکنند محل حرف نیست که یک طرز ناگوار خواهد بود که شخصی اجنبی با اصطلاح بیاید و وارد رسیدگی در دفاتر بشود و اغلب نقاط عالم هم همینطور است وقتی که این مالیات محل بحث بوده بیشتر دلسر این قسمتین همیشه تفاوت شده است و باعث شده است و بنده فکر کردم بیستم چه ترتیب ما

می توانیم کاری بکنیم که این تکراری رفع بشود و با اصول مالیات هم صدهای نخورد و بالاخره بایه مالیات بهتر از این چیزی که الآن هست باشد. الآن طبقه بندی کرده است یک تفاوت های خیلی فاحش بین طبقات گذاشته طبقه دوم با طبقه اول صد تومان مثلاً تفاوت دارد چون این قضیه از یکطرف حد خیلی از مورد غیر عادلانه می شود و از یکطرف تشویق میکند اشخاص را برای این که بخواهند داخل طبقه اول بشوند بجهت اینکه فاصله زیاد پیدا نکند اگر فاصله بیست تومان بود سی تومان بود شاید اینقدرها اهمیت نداد ولی وقتی که فاصله صد تومان شد البته فرق میکند از طبقه دیگر آمده است از برای یک کسی که یا صد و یک تومان عایدات دارد مثلاً از اصناف آن طبقه او را هیچده تومان قرار داده است که نرخ خیلی زیادی است در صورتیکه اگر مطابق نرخ ما بگیرد آن طبقه در سال مالیاتش شش تومان می شود بنده فکر کردم شاید بتوانیم باین ترتیب عمل کنیم (کازرونی - یادداشت) آخر آقای کازرونی پیرمرد فرمودند باید که گفتشان هم یک چیزی است که بجا است. عرض کنم که بنده خیال کردم که ممکن است ما بیائیم دلبمان را روی عایدات قرار بدهیم ولیکن باید طبقه بندی یک شکلی منصف تری حالا البته این یک حسابی است که حالا بنده میکنم و نظر اصلی این نظر نیست بعد در کمیسیون باید گفته شود میگوئیم تاجری که عایدات خالصش در سال دوازده هزار تومان باشد این تاجر درجه اول است و البته روی همین ترتیب هم که معین شده جوازش معین می شود یعنی تفاوت ها را این اندازه میاوریم آن که یازده هزار تومان عایدی خالص دارد درجه دوم بعد همین ترتیب تا چنانی برسیم که یا صد تومان عایدی دارد تفاوت ها را یا صد تومان یا صد تومان قرار بدهیم وقتی که ماخذ تشخیصات این شد و مالیات معین شد آن کمیونی که باید رسیدگی کند تشخیص داد که تاجر درجه اول است اگر تاجر خواست ثابت کند که نیست بموجب دفاترش میتواند ولی مادامیکه کاری بدفاترش نداشته باشیم باین ترتیب حالا یک طرحی است که در فکر بنده پیدا شده و بعد رویش در کمیسیون مطالعه خواهیم کرد بکفتری ویژه کاری خواهیم کرد و دقیقاً خواهیم کرد که بهتر شود

و بنده تصور میکنم خیلی از مذاکراتی که این جا می شود در آنجا اشکالش رفع می شود (صحیح است) در حال بنده مقصود از عراضی که میکنم يك چیز است و آن این است (آقایان دیده اید سالها است در خدمتان کار میکنم) هر وقت مطلبی را دیده ام که حتی فکر يك نفر هم باشد بطوریکه اشتباهی هم واقفاً در دماغ آن يك نفر تولید نشده باشد و مطلب از قطة نظر عمل و منطق عمل يك مطلبی است که قابل توجه و دقت است بنده همیشه سعی کرده ام که راه حلی پیدا کنم یا فکر خودم را تطبیق بدهم با آن خواستم عرض کنم که حالا هم همان آدم و همان عقیده را دارم آقایان بگذردی در کمیسیون کمک بکنند لازم هم نیست انسان عضو کمیسیون باشد این را که در جلسه پیش هم عرض کردم در این جلسه هم که تشکیل می شود تشریف بیاورند يك جلسه دو جلسه سه جلسه صرف وقت کنیم آقایان هم صرف وقت کنند آنجا مطلب را منقح بکنند آنجا آماده تر و حاضر ترش کنیم بعد در شور دوم کمتر بحث کنیم (صحیح است) جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود مالیات مشمولین ماده ۱۳ از روی ضمیمه بندی معلوم شود از روی عایدات

پیشنهاد آقای کاشف

اینجناب تبصره ذیل را بماده ۱۵ پیشنهاد مینماید تبصره - استناف و اشخاصیکه مالیات بلدی میپردازند در صورتیکه مجموع مالیاتهای را که سالانه بیلدیه میپردازند اضافه بر میزان مالیات بر عواید آنها باشد از قاعده مالیات بر عواید معاف خواهند بود

پیشنهاد دیگر آقای کاشف

اینجناب پیشنهاد مینماید که میزان مالیات مشمولین ماده (۱۵) بترتیب مالیات مقرر در ماده (۱۱) تعیین گردد با حفظ اینکه در هر دو قسمت حقوق تا میزان شش هزار ریال در سال معاف باشد پیشنهاد آقای ممدل

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۱۵ بشرح ذیل اصلاح شود:

عایدات خالص سالانه از ۱۷۲۰۱ الی ۹۰۰۰ ریال از مجموع ۹۰۰۱ الی ۹۱۲۰۰۰ ریال

رئیس - ماده شانزدهم

ماده ۱۶ - عایدات خالص مشمولین ماده ۱۳ از روی قرائن و اماراتی (مانند میزان معاملات مبلغ مال الاجاره حق الملاج حق الزحمه و حق العمل) تعیین خواهد شد که بموجب نظامنامه مخصوص مبین می شود این نظامنامه به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس خواهد رسید. به نسبت عایداتی که بنابر قرائن و امارات فوق الذکر تشخیص می شود مشمولین مکلف به پرداخت مالیات خواهند بود ولی هر گاه مدعی باشند عایدات آنها کمتر از مابقی است که بموجب قرائن تشخیص شده می تواند پس از پرداخت مالیاتی که از آنها مطالبه می شود بمراجعه مذکور در ماده ۱۹ رجوع نمایند در صورت اثبات ادعا اضافه پرداختی آنها رد خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - وفق کلیات این لایحه مطرح بود بنده عراضی که عرض کردم تقریباً راجع به این موضوع بود بعلت اینکه همینطور که آقای وزیر مالیه در جلسه صبح فرمودند وقتی که ماهه چیز در مملکت میخواهیم البته باید پول هم بدهیم در این موضوع گمان نمیکم کسی مخالف باشد که البته باید خرج این مملکت را مردم بدهند در این شبهه ای که نیست و باز هم عرض کردم عادلانه ترین مالیات هم همین است يك اشخاصی که در مملکت از امنیت از نظریه از صیحه از سیراموری که در این مملکت بجمداقه پیدا شده است استفاده میکند و در نتیجه آن امنیت است که معامله میکند استفاده میکند فایده میرند البته باید يك مبلغی از آن فایدهشان را بدولت بدهند که بتواند این مؤسسات را برایشان برقرار کند. در اینهم هیچ شبهه نیست در این دو مقدمه میتوان عرض کنم که همه ماها با آقای وزیر مالیه هم عقیده هستیم مردم باید از عایداتشان بدولت بدهند اما چه جور حرقه سر گرفتند است. عرض کنم در اینجا بنده واقفاً بچشم میکنم

از آقای وزیر مالیه بعلت اینکه ایشان تحصیلشان روی امور قضائی و حقوقی است وزیر عدلیه بوده اند بجمداقه عدلیه مان را باین درجه خوب کردند که حقیقتاً میتوانیم امروز در دنیا بگوئیم که عدلیه دزیم (صحیح است) لکن اینجا قضاوت بعکس کرده اند درست ملاحظه فرمائید بنده میگویم بدهی من مطابق اظهار نامه که در ماده هفده نوشته شده است ایقدر است آن مأمور مالیه مدعی است که زیادت است آنوقت حق اثبات را به گردن بنده گذاشته اند این درست برخلاف امور قضائی است بنده مطابق ماده هفده اظهارنامه میدهم که آقا عایدات بنده در فلان معامله شده است فلان مبلغ آنوقت مأمور مالیه آنچنان مأمور مالیه ای که در جلسه قبل عرض کردم وظیفه اش این است که عایدات زیاد بگیرد او می آید می گوید خیر و مدعی می شود که عایدات تو زیادت است آنوقت اینجا چه حکم کرده است حکم کرده همان که او ادعا کرده است بنده بدهم بعد بروم ثابت کنم که این زیاد گرفته این بر خلاف اصل قضائی است که مدعی علیه برود ثابت کند همه جا بیته با مدعی است آن آدمی که مدعی بنده است که خیر عایدات شما زیاد تر است بعهده او است که اثبات بکند اینجا درست قضیه را معکوس کرده است و آن وقت بآن اشکالاتی هم که خود آقای وزیر مالیه میدانند که در پس دادن این پول هست بعلت اینکه پولی که از بنده گرفته شد وارد خزانه میشود آنوقت نمیتوانند از آنجا بیرون بیاورند اگر سال مالی گذشت دیگر می رود و می افتند بی بودجه سال بعد. بعقیده بنده این ماده شانزدهم و هفده متضاد است درست این دو ماده را دقت بکنید و عرض بنده را در ماده هفده میگوید باید اظهار نامه بدهند اما در هر صورت اظهار نامه اش نباید کمتر از آن چیزی باشد که مأمور مالیه تشخیص کرده دیگر این اظهار نامه چه فایده دارد و بعقیده بنده این دو ماده با هم متضاد است چون در جلسه گذشته آقای وزیر مالیه فرمودند که این حرفها صحیح است اما راه حلش را بگوئید چیست بعقیده بنده این دو ماده را درست جمع میکنیم یعنی عدالتش اینست که بنده با فلان تاجر با فلان صنف با فلان کسبه

این اظهارنامه اش را مطابق حقیقت (ما باید بگوئیم حقیقت) این را تهیه میکنند و در موعدی که معین شده است در ماده هفده این را میدهند که عایدات من هزار تومان است این قدر هم باید مالیات بدهم این را که داد آنوقت مأمور مالیه مدعی است که بیشتر است بنده يك خلاف اصلی را هم قائل میشوم میگویم آن بیشتر را هم ازش بگیرند آن مقداری که تفاوت بین اظهارنامه و تشخیص مأمور مالیه است آن مابه التفاوت را بگذارند در بانک ملی در يك صندوق ردیه مابقی را که خودش مقرر بوده است داخل عایدات عمومی مملکت بکنند آنوقت می آید بکمیسیون تنظیم میکنند که این ماهوری که تشخیص داده است صحیح تشخیص نداده و من مطابق اظهارنامه صحیح گفته ام و مأمور مطابق امارات و قرائنی که تشخیص داده غلط است می رود بکمیسیون یا اگر مبلغش زیاد باشد می رود به محاکمات یا حق با او میشود یا نه میشود از این دو قسم بالاتر نیست اگر حق با او شد پولش را از بانک میبردارند و اگر خیر در آنجا هم معلوم شد بی ربط گفته این پول را میبرند به خزانه این راه حل قضیه است والا ملاحظه فرمائید يك ماهوری از روی قرائن از روی امارات که هیچیک از قرائن و امارات در مملکت ما محل اطمینان نمیشود که از روی رفتار اشخاص بفهمیم چقدر عایدات دارد. نمیشود. (حالا چرا؟ چه عرض کنم) آمده است و يك تشخیصی داده است او هم مجبور بوده است که اظهارنامه اش را از روی این تشخیص بدهد آنوقت این پول را گرفته اند بعد پولش رفته است بخزانه درست است که حق هم با او داده شده است که پس بگیرد اما باید درخواست صادر بشود و چه بشود و آن تشریفات قانونی که دارد و بالاخره با می رود جزء دیون موقوفه بکلی از میان می رود که سال بسال سالی فلان مبلغ میپردازند و آنوقت چون مبتلی به عامه است و اختیار داده شده است باینها هر روز وزارت مالیه گرفتار این زحمت و این چیزها است بعقیده بنده و پیشنهاد بنده این است که اولاً این دو ماده یکی شود و این ترتیب هم بشود که مشمولین این قانون و مؤذیان اگر تاجر است مطابق دفترش کاسب است

فروش هر چه هست اینها را معین گفتند در اظهارنامه شان بنویسند بدولت بدهند و مطابق اظهارنامه ای که داده اند مالیات بگیرند از آنها بدهند بخزانه و ما مورین مالیه هم که تشخیص دادند این بی ربط گفته آن پول را ازش بگیرند در صندوق بانک ودیعه بگذارند تا اینکه او برود بکمیسیون و محاکمات اگر محق شد پولش را از بانک بار رد بکنند اگر محق نشد که می رود جزء عایدات مملکتی بنظر بنده ماده شانزده و هفده را يك ماده بکنیم و باین شکل هم بنویسیم. اینکه يك عرض بنده. و ثانیاً چون يك پیشنهادی کرده بودند آقای کاشف راجع به مستخدمین دولت که تا شصت ریال را معاف کنند بنده نمی خواهم در این موضوع خیلی صحبت کنم بملت اینکه آن وقت آقای وزیر مالیه میفرمایند از کجا بدهیم این حرف هم صحیح است بدلت اینکه دیگر نمیتوانیم مالیاتی برای این مردم وضع کنیم و مستخدمین را حقوق زیاد بدهیم لکن از طرف دیگر هم می بینیم که بیچاره ترین مردم این ها هستند بملت اینکه همه این مالیاتهایی که وضع میشود کاسب روی جنس می اندازد هیچ در این شبهه نیست که این مالیاتهای بلدی که وضع شده هر کاسبی روی جنسش می اندازد بنا که یکی هشت قران بوده الآن هیجده قران است عدله که سه قران بوده الآن چهار قران و ده شاهی است تا میگوئیم چرا میگوید قدر کران است سایر مخارج من کران است درست هم میگوید اما مستخدم دولت که روی ادلش نمیتواند بیندازد از مخارجش هم نمیتواند کم بکند حالا آقای وزیر مالیه البته خودش در نظر دارند و باید يك افکاری هم در این موضوع بکنند عجله بنده در این حرفی ندارم که بگویم حقوق را زیاد بکنند لکن این پیشنهاد را در نظر بگیرند تا ممکن است و تفاوت زیاد هم نمیکند اقلاً نازمه سه معاف باشند و این هم چیزی نمیشود در ماه سه قران چهار قران يك تومان میدهد چیز قابلی نیست در هر صورت فکری هم برای اینها بکنید که واقعا بدبخت ترین اصناف این مملکت اینها واقع شده اند بی

هیچکار نمیتواند بکنند یعنی هر مالیاتی که وضع شد هر سنتی روی عمل و کار خودشان می اندازد الا این یکدسته که نمیتوانند روی کارشان بیندازند حالا ما میگوئیم يك چیز زیادی به آنها داده شود ولی حتی الامکان از این راه ازشان کفر گرفته شود.

وزیر مالیه - بنده نمیدانم چطور شده است ماده هفده این طور بد تعبیر شده و بد فهمیده شده است بنده الآن میخواهم میگویم. مشمولین ماده سیزده مکتفند قبل از ۱۵ خرداد هر سال اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای اجرای مقررات این قانون و نظامنامه های اجرائیه آن بداره مالیه محل اقامت خود تسلیم نموده و در همان موقع مالیات خود را به نسبت عایدات اظهار شده نادیه نمایند مالیات مزبور در هر صورت نیایستی از میزانی که بر طبق قرائن مذکور در ماده ۱۶ معین شده کمتر باشد ما وقتی که این را نوشتیم چطور فهمیدیم و چطور از این عبارت می فهمیم؟ بنده میگویم که يك پایه هائی را يك قرائتی را کمیسیون قوانین مالیه معین میکند میگوید دولت مجاز است از برای تشخیص عایدات افراد کرایه خانه نوکر، اتومبیل پنج چیز ده چیز را قرینه قرار بدهد و يك کمیسیونهای محلی می نشینند و میگویند که کرایه خانه در این محل و با اینکه میزان فروش این صنف از تجارت این قرینه است از برای این قرینه بطور کلی البته يك قرائتی را نه کمیسیون مالیه معین خواهد کرد و اینکه يك کمیسیون در طهران میتواند برای تمام مملکت قرینه معین کند بنابراین کمیونی که در آن محل است میگوید کرایه در این محل نهونه چقدر عایدات است و همینطور میزان فروش را میگوید بطور کلی گفت مثل اینکه در قانون سابق بود پنججاه هزار تومان فروش عمده با پنججاه هزار تومان خرده فروشی خیلی تفاوت عایدات دارد يك کسی که میوه فروش باشد در سال پنججاه هزار تومان در سر خیابان لاله زار بادر سر بازار میوه فروشی دارد باینک کسی در سال با سه معامله یعنی يك مقداری گندم یا برنج پنججاه هزار تومان معامله اش میشود خیلی تفاوت دارد این خرده فروشی نقش خیلی بیشتر

میشود و بنده تصور میکنم همین جهت است که آقایان اشتباه میکنند خیال میکنند مثلاً بنده امین مالیه فلان محل هستم میگویم داشتن لباس برك بنظر من و کفش فلان شکل و کلاه و پالتو فلان فریب این قرینه است از برای آقدر مالیات آنوقت میگویند امان دخیل این چطور میشود. يك چیزهای کلی اولاً معین میشود در آن نظامنامه کمیسیون قوانین مالیه که آن چیزها را میشود قرینه قرارداد بعد از آن در هر محلی که کمیسیونهای تشکیل میشود که در این محل کرایه خانه عمده نوکر با فروش با معامله قرینه است از برای آقدر عایدات متناسب آن محل و بالاخره در کمیسیون هر محلی معین میشود که این قرائن در این محل حاکی از آقدر دلزائی است و قرینه بر آقدر عایدات است این اصول کلی است که آن مأمور مالیه باید رویش عمل کند نه اینکه خودش بیاید در هر مورد يك قرینه تشخیص بدهد حالا نمیدانم بالاخره مسئله روشن شد یا اینکه باز بر میگردد روی قرینه که خوب انداز بگویند اینطور است حالا وقتی آمدیم شما میخواهید اظهارنامه بدهید اظهارنامه را چطور میدهد شما يك فورمول چاپی داده میشود در آنجا از شما سؤال میشود که فرماً معامله ثابت اگر تاجر هستید میزان فروشتان در سال چقدر است کرایه منزلتان چقدر است در کدام محل بوده در بازار بوده یا در خیابان لاله زار در بازار کرایه طور دیگر داده میشود و نمیشود روی او آمد و عایدات زیادی تشخیص داد مثلاً در خیابان لاله زار هم مقدار زیادی فرقی دارد بالاخره شما میگویند در سال چقدر خرج مستخدم دارید برای تجارتخانه یا دکانتان و امثال اینها را سؤال میکنیم شما بنویسید آنوقت این آن اظهارنامه است که حاوی اطلاعات لازمه برای اجرای قانون است شما وقتی اینرا دادید درش نوشته اند که عایدات من هم آقدر است اینجا میگوید وقتی شما اینصورت را دادید مالیاتتانرا هم باید بدهید اما این مالیات در هر صورت نباید از آن قرائتی که خودتان در آن اظهار نامه

داده اید کمتر باشد حالا يك مثال میزنم فرض میکنم برای اینکه مثال خیلی پیچیده نشود یکی میزان فروش یکی میزان اجاره و کرایه این دو قرینه در يك محل معین فرض میکنیم که فروش باشد دلیل میشود بريك عایداتی که در سال معادل است با شش هزار تومان این آدم می نویسد کسرابه حجیره آقدر فروش آقدر روی این آنوقت چقدر عایدات باید بشود؟ شش هزار تومان آنوقت می نویسد دو هزار تومان بیشتر عایدات نداشتم میگویند خیر چون اینجا قرینه حاکی است بر اینکه شما در اینجا شش هزار تومان عایدات داده اید و نوشته اید دو هزار تومان روی شش هزار تومان عایدات داده اید و نوشته اید دو هزار تومان روی شش هزار تومان بایستی مالیات داده باشد یعنی دوپست و پنجاه تومان بایستی مالیات داده باشد دوپست و پنجاه تومان را بایستی بدهی تا آنطلب دومی ثابت شود حالا باز نمیدانم طلب مجدداً بحث خواهد شد و گفته خواهد شد که این قرینه يك چیزی است خوب انداز و اینکه گفته خواهد شد که این چطور می شود این اگر آمده است اظهارنامه داده پس دیگر فایده این اظهارنامه چه چیز است در صورتیکه نباید از آن قرائن کمتر باشد آقا قرائن را خودش اظهار کرده است از او سؤال شده است خودش میگوید که من آن قدر فروش داشته ام آنوقت آقدر فروش حاکی است از آقدر عایدات مطابق آن ترتیب کلی در فروش این مقدار کسبش حاکی است از اینکه این آدم آقدر عایدات داشته باشد حالا این شخص برخلاف این قرینه که خودش در اظهارنامه نوشته نباید مالیات بدهد ما میگوئیم تا وقتیکه رسیدگی نشده مطابق این قرینه که خودت نوشته و به آن اقرار کرده اید تا زمانی که رسیدگی بشود و معلوم بشود که آیا واقفاً عایدات شما در سال همان شش هزار تومان بوده است یا اینکه در واقع سه هزار تومان بوده است و اشتباه کرده اید اگر اشتباه بوده است و مالیات را روی همان داده باشید انصافاً آرا ما هو پس میدهم اما راجع باینکه اختلاف ودیعه گذاشتن در جلسه اول و جلسه امروز خیلی صحبت شد بنده هم يك عرضی عرض کردم و دیگر عرضی عرض نمیکنم و اکثراً میگویم اینکه آقایان هر پیشنهادی که

دارند بدهند در کمیسیون مذاکره کنیم و حل میکنیم. اما راجع بحقوق مستخدمین بنده در کمیسیون یکی از آقایانکه این اظهار را کرده بودند عرض کردم که بنده خیلی موافق هستم بظریکه آقایان جنه جنه در مجلس اظهار میکنند راجع بمستخدمین. مستخدمین دولت بالطبع یکی از طبقات تربیت شده و فاضل این مملکت هستند اغلب شخصی هستند که دارای معاوماتی هستند و دولت اینها را استخدام میکند ببارتخری اکثر اشخاص فهمیده این مملکت در ادارات دولتی هستند و کارهای دولتی را اداره میکنند زندگانی هم مسلم است تفریاتی درش پیدا شده گران شده اشخاص هم بکفتری عادت دارند باینکه احتیاجات خودشانرا محدود نکنند و برعکس بپرداخت محدود خودشان میخواهند بک احتیاجات زیاد را جواب بگویند و لازم هم هست این است که بچاره میشوند و البته خیلی خوب است که در اینخصوص بک فکری کرد بنده هم امروز به آقایان در کمیسیون قوانین مالیه گفتم و حالا نمیدانم چرا آقای مؤید احمدی که در هاتوقت آنجا تشریف داشتند بنده بهشان عرض کردم نمیدانم چرا در اینجا باز فرمودند بنده عرض کردم که آقایان قبول دارید امروز که بودجه می آید در مجلس دست آقایان و کلاء اگر بک افلامی را که آنجا هست بگویند که حالا اینها لازم نیست باینکه این مخارج نه امسال لازم است و نه سال آتی و نه سالهای بعد باینکه آقدر از محاکم عدلیه کسر میکنیم آقدر از مدارس آقدر از قسمت دیگر میزنیم و آنوقت می آیم و به آنها بدهیم این بک فودمولی است بکی دیگر این است که بگویند نه این مخارجی را که بگویند هیچکدامش را نمی شود کسر کرد و این بک چیزی است که ما بک مبلغ خیلی زیادی لازم داریم در دولت پیش یکی دو تومان جاجانزنیه داده شد اگر اشتباه نکرده باشم فریب سبب و چهل هزار تومان بر بودجه اضافه شد تصدیق هم میفرمائید که یکی دو تومان آبی هم گرم نکرد آنکسیکه سی و دو تومان داشت بک روزگار بر عرض و طولی بک راحی و فراوانی در زندگانش پیدا نشد اگر بخواهیم کمک کنیم بپد بک کاری بکنیم که آن کسیکه سی و دو تومان میگرفته است حالا چهل تومان بگیرد و آن کسیکه چهل

را مالیات بدهند که از آن پول دولت باید بدهد بیک اشخاصی که در اینجا کار میکنند حالا این اشخاصیکه دارند چنان میکنند وسائل صحی ندارند طبیب اصلا ندارند دواندارند حالا شما اصافاً و وجداناً عقیده تان چیست عقیده تان این است اگر ما بک عایدات جدیدی پیدا کنیم این عایدات را بدهیم بآنها بیک می لرزند و مالاریا صده شان می زند و وقتی که ناخوش میشوند طبیب بالاسرشان نیست خوب طبیب بالا سر آنها ببریم و کتله کتله بهشان بدهیم که ببرند یا بدهیم بان بیچاره مستخدمینی که در ادارات خدمت میکنند البته عقیده همه آقایان اینست که بدهیم بان طبقه بنده حالا بک مثالش را زدیم پنج شش فای دیگر هم داشتیم که میخواستم بگویم شما ده پانزده میلیون که مالیات دیگر پیدا کنید وقتیکه در مقابل خودتان اضافه حقوق مستخدمین را که استحقاق هم دارند نگاه کنید و آنطرف دیگر را هم که عرض کردم نگاه کنید قطعاً میدهد بهمین طبقه پس این ده پانزده میلیون اول را که پیدا بکنید ببرد این کار نمیخورد باید بعد از این مبلغ که پیدا کردید آنوقت صحبت از حقوق مستخدمین بکنید و الا بنده میدانم که با سستی مستخدمین کمک کرد اما این صحبتها برای اینست که ما بیاییم بگوئیم اینجا یکمده اشخاصی هم بگویند که بفکر ما بودند و بعد هیچ فکری برایشان نکتیم این خوب نیست پس ما وقتی که آقا عایدات جدید را که عرض کردم پیدا کردیم اول باید بخورد بزرخم آنچه هائی که بقیده خود شما لازم است خود شما هم بقیه دارم هیچوقت رأی نخواهید داد وجدانان اجازه نخواهد داد که آن چیزی را که پیدا کنیم بخرج صحیه تزئین و بدهیم بمستخدمین و موافقت نخواهید کرد میفرمائید مالیات ارزش نگیرند چه قایده دارد برای چه نگیرند آقا عرض کردم پنجاهزار و دوهزار بولی نیست که بکنند و متعول کنند ولی بنده باجم کردن همین پنج هزار و دوقران مقدار زیادی پول بغزانه مملکت جمع میکنم در مملکت هر وزیر مالیه که فقط حالتش این باشد که صحبت از پنجاهزار تومان بیلا پیشش بشود این بقیده بنده وزیر مالیه نیست. وزیر

مالیه باید صحبت از یکقران بیلا را حساب بکند حالا از یکقران بیستین پیش کش برای اینکه مجموع همین قران قرائهاست که عایدات مملکت را در هر جای دنیا تشکیل میدهد. بنابراین جهات است که عرض میکنم آقایان تا وقتی کمک نکرده اند که آن پانزده میلیون تومان اول که از مالیات پیدا شود پیدا نکرده اند صحبت از مستخدمین نکند و ببخورد بیچاره هاراهم امیدوار نکندیم برای اینکه نتیجه ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طهرانی

این بنده پیشنهاد میکنم که مشمولین ماده ۱۳ در هر سال مطابق اظهارنامه عایدات خالص خودشان را معین خواهند نمود در صورتیکه به عایدات صاحبان اظهارنامه رسیدگی شد و معلوم گردید که عوائد خالص دهنده اظهارنامه زیاده از آنچه در اظهارنامه قید شده است میباشد دوبرابر مالیاتی که باو تعلق میگردد بعنوان جریمه از او دریافت خواهد شد در صورتیکه در موقع مقرر اظهار نامه راجع بعایدات خالص خودشان ندادند مالیاتی را که مالیه معین میکند خواهند پرداخت حق اعتراض هم ندارند.

پیشنهاد آقای مرآت

اصلاح قدمت اول ماده ۱۶ را بطرز ذیل پیشنهاد میکنم: ماده ۱۶ - هر گاه در تشخیص میزان مالیات بین مشمولین و ادارات مالیه اختلافی حاصل شود مأخذ مالیات از روی قرائن و اداریاتی مانند (میزان معاملات مأخذ مال الا جاره امکنه مستأجره مشمولین حق العلاج حق الزحمه) تشخیص خواهد یافت که بموجب نظامنامه مصوبه کمیسیون قوانین مالیه مجلس مأمورین ادارات مالیه باید بمعدل اجرا گذارند

پیشنهاد آقای افشار

بنده پیشنهاد میکنم که بجای ماده ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ ماده ذیل نوشته شود:

ماده ۱۶ - مشمولین ماده ۱۳ مکلف هستند اظهار نامه راجع بکلیه عملیات و عایدات و مخارج مالیات خود تهیه و تا ۱۵ خرداد هر سال بمالیه محل تسلیم و رسید دریافت دارند در صورتیکه مندرجات اظهارنامه مورد قبول مالیه واقع شود مالیات بر طبق آن وصول خواهد شد ولی هرگاه مندرجات اظهارنامه مورد قبول مالیه واقع نشده و با اینکه تا ۱۵ خرداد اظهارنامه مقتضی تسلیم مالیه نشده باشد مالیات از روی قرائن و امارات (از قبیل میزان معاملات و مبلغ مال الاجاره و حق العلاج و حق العمل و غیره که بموجب نظامنامه مخصوص که بتصویب کمیسیون مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید) تعیین و دریافت خواهد شد مؤدیان در صورتیکه بشخصیات مالیه اعتراض داشته باشند رفع اختلاف بطریق ماده ۱۷ بعمل خواهد آمد.

رئیس - ماده ۱۷ قرائت میشود:

ماده ۱۷ - مشمولین ماده ۱۳ مکلفند قبل از ۱۵ خرداد هر سال اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای اجرای مقررات این قانون و نظامنامه های اجرائیه آن بداره مالیه محل اقامت خود تسلیم نموده و در همان موقع مالیات خود را بنسبت عایدات اظهار شده تأدیه نمایند مالیات مزبور در هر صورت نیابتی از میزانی که بر طبق قرائن مذکور در ماده ۱۶ معین شده کمتر باشد.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده تعجب میکنم که آقای وزیر مالیه جواب عرایض بنده را ندادند و آنوقت يك چیزی را جواب فرمودند که بنده اصلاً عرض نکردم. بنده عرض نکردم راجع به مستخدمین حقوقشان را زیاد کنند و عرض کردم که الان دلیل می آورید و میفرمائید که مالیات را زیاد کنید بنده نگفتم که مالیاتی بیاورید و حقوق مستخدمین را زیاد کنید بنده همچو عرضی نکردم لکن فرمایشاتی که فرمودند که این دو ماده با هم اختلاف ندارد فرمایشاتشان را قبول دارم اما روی این کاغذ همچو چیزی نیست این فرمایشاتی که فرمودند در این دو ماده

اظهار نامه باید حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای اجرای قانون باشد بکلیه همان قرائن است که باید آن قرائن را بنویسند آنقدر من فروش دارم وقتی که مطابق مقررات آن نظامنامه فلان میزان از فروش حاکی از آنقدر عایدات بود این آدم میگوید که من اینقدر فروش داشتم ام و آنقدر فروش هم نمونده اینقدر عایدات است ولی من داشته ام اینقدر عایدات را و ضرر داشتم اینجا نوشته است که آن شخص اظهارنامه خودش را بدهد و این است که مینویسد باید مالیاتی را که می پردازد بر خلاف واقع باشد او باید اطلاعات خودش را بنویسد بعد مطابق اظهار نامه مالیات میدهد لکن آن مالیاتی که میدهد نباید از میزانی که مطابق قرائنی که خودش در اظهار نامه نوشته کمتر باشد حالا اگر خودش مدعی است که این قرائن در مورد من درست حکم نکردم آنوقت آن را باید کمیسیون رسیدگی کند حالا این عبارت را که این جا نوشته است چون در ذهن بنده مطلب روشن است و سابقه داشتم کافی بنظر می آید ولی البته وقتی عبارت کافی خواهد بود که کسانی هم که سابقه ندارند به مطلب همان مطلب را وقتی عبارت نگاه کنند بجهتند و چون می بینم که مفهوم دیگری دارد پیدا میکند معلوم می شود عبارت بد نوشته شده است این است که اصلاح میکنیم و رفع اشکال خواهد شد.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای معذل

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۷ بشرح ذیل اصلاح شود: جمله (مالیات مزبور در هر صورت الی آخر ماده) حذف شود و بجای آن نوشته شود و در صورتی که خلاف مندرجات اظهارنامه از طرف اداره جالیه اثبات شد علاوه بر آنکه اضافه ثابت شده دریافت میشود عشر آن هم بتوان چریبه دریافت خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۸ قرائت میشود:

ماده ۱۸ - در هر مورد که اظهار نامه مشروح و

مشروح از محاسبات و منظم یا متکی به مدارک مسلم باشد مالیات مطابق اظهارنامه دریافت خواهد شد و هر گاه قبلاً مالیات بیشتری دریافت شده باشد سزود میکرد.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده تصور میکنم با آن توضیحی که آقای وزیر مالیه در اول جلسه دادند راجع به تغییر تقسیم طبقات و اینها این سه چهار ماده تا ماده ۲۲ تمام بیایستی تغییر کند و مذاکراتی که ما اینجا میکنیم با آن نظری که گرفته شده است درست در نمی آید نظر آقای مؤید احمدی هم اینجا بیورد نیست خصوصاً این فکری که بعد پیش آمد مخصوصاً که طبقات تجار و اصناف را يك طبقات مختلف تقسیم میکنند و آنهایی هم که باید اظهارنامه بدهند اظهارنامه همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند روی آن اوراق چاپی خواهد بود و آن قرائن و اماره هائی که مقصود است روی اوراق چاپ کرده اند آن اوراق را میدهند به اشخاص و اشخاص مینویسند و میدهند بمالیه و مالیات خودشان را هم مطابق همان اظهار نامه میپردازند بعد ممکن است مالیه اشکال بکند و بگوید که مطابق این قرائن مالیات را درست نوشته این اشکال بعد پیش می آید آنوقت است که باید برای رفع اختلاف بین بأمور مالیه و اظهار نامه دهند کمیسیون بیاید و حکم بکند که اظهارات کدام يك از طرفین حقیقت است و رفع اختلاف را بکند پس دیگر این هوادی که این جا نوشته است - ماده ۱۸ و ماده ۱۹ و ماده ۲۱ هیچکدام آنها مورد پیدا نمیکند و بنده تصور میکنم اگر ما از ماده بعد شروع کنیم بخواندن (آقای وزیر مالیه تشریح نداشتند) عرض کردم بعد از آن که نظری پیدا شد راجع بطبقه بندی تجار و اصناف این دو سه ماده تغییر پیدا میکنند آنها هم اظهارنامه میدهند و بعد هم جواز میگیرند و رفع اختلاف هم میشود و چون بیاناتی آقای وزیر مالیه اینجا فرمودند همانطور که آقایان استنباط کردند - ماده صحیح است ولی از وضوح و مدلول این مواد آن نظری که اتخاذ شده است با هم تطبیق نمیکند این است که بنظر

مشکل می آید و بنده پیشنهاد میکنم که از ماده ۲۰ اگر

با شروع کنیم بخوانیم و این چند ماده را مطابق مذاکراتی که شده است در کمیسیون مذاکره و اصلاح کنیم بهتراست **وزیر مالیه** - بنده تصور میکنم بهتر است ماده بماده خوانده شود و شور اول بشود و آقایان هم که آن میکنند بهتر است صحبتی نفرمایند و هر نظری دارند پیشنهاد میدهند در کمیسیون مورد مطالعه واقع شود .

رئیس - ماده ۱۹ قرائت میشود :

ماده ۱۹ - برای تشخیص مآخذ مالیات مشمولین ماده ۱۳ و رفع اختلاف بین مؤدیان و اداره مالیه در هر حوزه مالیاتی کمیته‌هایی تشکیل خواهد شد

طرز تشکیل و حدود اختیارات کمیته‌های تشخیص به موجب نظامنامه که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس رسیده باشد معین میشود در مواردی که مالیات مأخوذه طبق ماده ۱۶ را اداره مالیه غیرکافی بداند میتواند مطابق اطلاعاتی که بدست می آورد میزان مالیات مؤدی را تشخیص داده مراتب را بمشارالیه ابلاغ و اخطار نماید که هرگاه اعتراضی دارد در ظرف ۲۰ روز اعتراض نامه خود را با اداره مالیه بدهد .

در مواردی که صریح مؤدی به تشخیص اداره مالیه و یا عدم اعتراض او در ظرف مدت مقرر مالیاتی که اداره مالیه تعیین نموده قطعی و از مؤدی وصول میشود مگر در مواردی که مسلم گردد اشتباه در محاسبه شده و این اشتباه مورد تصدیق مالیه باشد

رئیس - آقای کاشف .

کاشف - عرضی ندارم .

رئیس - ماده ۲۰ قرائت میشود :

ماده ۲۰ - در صورتیکه مؤدی در مدت مقرر نسبت بمأخذ و میزان مالیات اعتراض نماید موضوع اختلاف توسط مالیه به کمیسیون مذکور در ماده ۱۹ ارجاع خواهد شد . رأی کمیسیون که باید مدلل باشد پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجراست مگر در مواردی که موضوع اختلاف راجع به مالیاتی باشد که مبلغ آن

آن بدهد آنها است در مدت مقرر خود داری نمائند رأساً بر طبق مقررات ماده ۱۹ تعیین میشود مگر اینکه مؤدی معذور بوده و اداره مالیه عذر او را توجه بداند در هر حال مؤدی حق دارد به مقامات مذکور در ماده ۲۰ مراجعه نماید و این مراجعه مانع از اعمال مقررات ماده ۲۳ و ۲۴ در باره مشارالیه نخواهد بود .

رئیس - آقای فهیمی .

فهمیمی - در اول ماده يك کلمه مالیات مثل این است که افتاده است با این ترتیب عبارت درست نمیشود .

بعضی از نمایندگان - لازم ندارد .

وزیر مالیه - حق با آقای فهیمی است در خیر کمیسیون هم بود و اینجا در چاپ اشتباه شده و بدون این کلمه عبارت معنی ندارد باید نوشته شود : مالیات مؤدیانی که از تسلیم مدارك لازم برای تعیین مالیات خود و یا مالیاتهایی که مسئولیت پرداخت آن بعهده آنهاست در مدت مقرر خود داری نمائند رأساً بر طبق مقررات . قبل از مؤدی يك کلمه مالیات لازم است :

رئیس - مباشرین غفلت تقیبه میشوند . ماده ۲۲ قرائت میشود :

ماده ۲۲ - مقررات مواد ۱۹ الی ۲۱ این قانون نسبت بشرکتهای و اشخاص مذکور در ماده ۱۰ نیز قابل اجرا خواهد بود .

رئیس - ماده ۲۳ قرائت میشود :

مقررات عمومی

ماده ۲۳ - هیئت وزراء میتوانند برای متخلفین از مقررات این قانون بانظامنامه های مصوب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی و یا مقرراتی که از طرف دولت و یا وزارت مالیه برای تعیین و تحقیق وصول مالیات وضع میشود جریمه هائی معین کنند که حد اکثر آن معادل دو برابر مالیات خواهد بود وصول این جرائم مطابق نظامنامه مصوب هیئت وزراء بعهده ادارات مالیه است .

در مواردیکه بواسطه عدم تسلیم اظهارنامه و یا در نتیجه تسلیم اظهارنامه مخدرش با ناقص و یا مخالف حقیقت و یا بعضی از علل دیگر مالیات وصول نشود دولت حق دارد تا مدت سه سال که میدهد آن سنه ایست که مالیات آن میباشد یعنی اخذ شود مالیات خود را بضمیمه جرائم مطالبه و وصول نماید مقررات مواد ۱۹ الی ۲۱ در موارد فوق نیز قابل اجراست .

رئیس - آقای فهیمی .

فهمیمی - بنده با وجود این تصویب نامه ها را بکفندی زائد میدانم در صورتیکه يك نظامنامه هائی برای اجرا وزارت مالیه می نویسد و يك قسمت آن مطابق مواد قبل به کمیسیون قوانین مالیه مجلس خواهد آمد در همان نظامنامه ها جرائم هم ممکن است معین شود چون غالباً دیده ایم که تصویب نامه هائی صادر میشود که از حدود قانون تجاوز میکند و اسباب زحمت میشود بنابر این بنده عقیده ام این است که این تخلفاتی که بنظرشان میرسد این ها را در نظامنامه که بتصویب کمیسیون میرسد معین نفرمایند که دیگر محتاج تصویب نامه نباشند .

وزیر مالیه - در کمیسیون هم این مذاکره شد ولی بنده توانستم موافقت کنم برای اینکه بایستی جرائمی برای اجرای مقررات باشد قانون بایستی اجرا شود و جریمه هم طبیعا بایستی اخذ شود يك مقرراتی هست که کمیسیون قوانین مالیه در حدود قانون معین میکند و همینطور هم ممکن است يك مقرراتی باشد که هیئت وزراء در حدود این قانون بنویسد فرق ندارد در حدود همین قانون است باید مقرراتی بنویسند و جرائم متخلف را معین کنند که چه خواهد شد وزارت مالیه هم در حدود همین قانون نظامنامه هائی میتواند وضع کند است تخلف از آن نظامنامه ها هم مستلزم جریمه است اگر بخواهیم در نظامنامه هائی که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید جرائم را معین کنیم هر روز ممکن است محتاج به تغییر آن بشویم این نظامنامه ها هم بدو قسم است بعضی هایش که کار بوزارتخانه های مختلف مربوط میشود

البته در هیئت وزراء تصویب میشود و بعضیها که تنها به وزارت مالیه مربوط میشود البته خود وزارت مالیه معین خواهد کرد و اگر قائل شدید که وزارت مالیه حق دارد بنویسد فوراً باید قائل شویم که حق دارد تخلص را هم جریمه کند و فوراً باید از برای متخلفین هم يك فکری کرد و الا نظامنامه که از برای متخلفین مجازاتی نداشته باشد يك موعظه است و ثمری ندارد با این وجود اگر پیشنهادی دارید بفرمائید.

رئیس - آقای معدل

معدل - بنده همین نظری را که آقای فهیمی فرمودند میخواستم عرض کنم که حالا که شور اول است در قانون مذاکره میشود و به کمیون میرود هر گونه مجازاتی که برای مؤدی هست ذکر شود و نوشته شود و این نظر را هم آقای فهیمی فرمودند منتهی جوابهایی که آقای وزیر محترم مالیه فرمودند درست نشدیم که استفاده کنیم دلیلی هم که برای عرض خود میتوانم بیاورم این است که حالا که این قانون بحث میشود و رویش صحبت میشود مؤدیان مالیاتی کاملاً استحضار پیدا میکنند ولی بعد ما که يك تصویبنامه هائی از طرف هیئت محترم دولت صادر می شود توجه پیدا نمی کنند و بر خورد باشکال میکنند حالا که این قانون با يك فرصتی شور میشود و ثباتاً می آید بمجلس اگر در همین قسمت اصول جرائم را ذکر کنند و بیاید بمجلس بهتر است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اگرچه در مذاکراتی که شد عراض بنده هم تقریباً گفته شد ولی بنده میخواهم عرض کنم که متخلفین از مقررات قانون را خود مجلس باید جریمه را معین کند نه هیئت وزراء حالا ممکن است بگوئیم در نظامنامه هیئت وزراء برای متخلفین يك جرائمی معین میکنند ولی اینجا نوشته شده که برای متخلفین از مقررات این قانون و یا نظامنامه هائی که کمیسیون قوانین مالیه تصویب خواهد کرد هیئت وزراء حق داشته باشد جریمه

این قانون در مجلس مذاکره میشود مردم متوجه هستند و در ضمن هم میخوانند و ملتفت میشوند و کتر اتفاق مینماید که يك مطلبی برشان مخفی بماند اگر يك تصویبنامه بگذرد خیلی از اشخاص ولو اینکه در جرایم هم منتشر شود يك اشخاصی متوجه نخواهند بود بنده برای رفع نگرانی ایشان يك طریقی را هم فکر کرده بودم که حتی الامکان در وقتی که اظهار نامه داده میشود در وقتی که اخطار میکنند بمالیات بده که باید مالیات را بدهی تمام آن مقررات که در صورت تخلف جریمه بهش تعلق میگردد ضمیمه کنند بآن و چاپ شود برای اینکه بدانند باین ترتیب در خیلی از مواقع مطلع خواهند شد حالا با وجود این اگر آقایان پیشنهاداتی داشته باشند عرض کردم يك مسئله اساسی نیست که بخواهیم درش بحث کنیم ممکن است التفات کنید و در کمیسیون درش بحث خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده هم عقیده آقای فهیمی را دارم ملاحظه بفرمائید در وضع مالیات و در جریمه مخصوصاً در قانون اساسی هست که ابداً از وظیفه مجلس است حالا بنده در قانون هم اصرار ندارم اینجا نوشته شده است که نظامنامه اجرای این قانون را کمیسیون قوانین مالیه بنویسد در آنجا البته آقای وزیر مالیه جرائمی که در نظر شانس می آید آنها را در نظر بگیرند در همین نظامنامه نوشته شود کمیسیون قوانین مالیه هم تصویب کند. میفرمایند ممکن است چیزهایی پیش بیاید که در نظامنامه پیش بینی نشود حالا که بعدد آن همیشه مجلس هست و کمیسیونها هست هر وقتی که محل احتیاج شد ممکن است از کمیسیون قوانین مالیه بگذرانند چون اختیار را مجلس بکمیسیون قوانین مالیه میدهد نظامنامه اجرای این قانون و جرائمی را که لازم است بنویسند حالا هر چه فعلاً در نظر دارید که در آن نظامنامه نوشته میشود بعد هم ماده الحاقیه نظامنامه میاید بکمیسیون و در کمیسیون تصویب میشود از این جهت بنده بنظم بهتر است که کمیسیون قوانین مالیه این جرائم را معین کند.

رئیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود: ماده بیست و چهارم - در مواردی که اشخاص - شرکتهای مؤسسات - تجارتخانه ها و بطور کلی مشمولین این قانون بهر علتی از علل در تأدیبه مالیات خود و یا مالیاتی که مسؤولیت پرداخت آن بعهده آنها میباشد تأخیر نمایند نسبت بهر ماه تاخیر ملزم بپرداخت جریمه خواهند بود معادل ۲٪ مالیات که در هر حال نمیتواند از ۵ ریال کتر باشد. برای تعیین وصول مالیات و جرائم پیش بینی شده در این قانون دولت مجاز است نظامنامه براساس مقررات راجع با اجرای استاد ثبت شده تنظیم نماید.

دولت میتواند برای تعیین مالیات شرکتهای و کلیه مؤدیانی که در ایران دارائی ثبوتی ندارند و یادارائی ثابت آنها غیر محلی بنظر می آید مطالبه تضمینات کافیه نموده و کابیه تدابیری که برای توبه تأمین و باقیای آن لازم است بعمل آورد.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - در این ماده میتویسد در مواردی که اشخاص، شرکتهای، مؤسسات، تجارتخانهها و بطور کلی مشمولین این قانون بهر علتی از علل در تأدیبه مالیات خود تاخیر نمایند این بهر علتی از علل را بنده درست تفهیم نمیکند ممکن است در موقع فرس مانژر باشد آنوقت تکلیف چیست و در اینجا تکلیف این قسمت را معین نکرده اند خوب است این جمله را توضیح بفرمائید.

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که بهر علتی از علل بمعنی تام کلمه است هیچ استثناء ندارد برای اینکه اگر نباشد بخواهد استثنائی بکنید برای هر موردی ممکن است کدامش ایجاد شود و تصدیق هم میفرمائید این چیز فوق العاده نیست معذراً در اینجا بیشتر بحث نکنیم خواهش میکنم در کمیسیون تشریح بیاورید و در آنجا مذاکره کنیم.

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود:

ماده بیست و پنجم - در موقع وصول مالیات و جرائم

و خارج وصول مطالبات دولت از عوائد و اموال منقول مدیونین و با ضمان آنها دولت نسبت بسایر طلبکارها حق تقدم خواهد داشت و این حق پس از انقضای سه سال نسبت بمطالبات هر سه ساقط میشود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کاشف

کاشف - بنده يك پيشنهایی در این مورد تقديم کردهام و بنظر بنده این ماده برای موردی است که تاجر بامدیون متوقف نشده است در صورتیکه متوقف باشد و هیئت تصفیه برای او تشکیل میشود دولت هم در ردیف سایر طلبکارها خواهد بود.

وزیر مالیه - خبر دولت مقدم بر همه طلبکار است.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - نظر بنده این بود که این ماده نباشد یعنی دولت هم مثل سایر طلبکارها باشد زیرا که دولت يك طلبکار معمولی است نسبت بسایر طلبکارها نمکین و نمولش بیشتر است حالا اگر يك کسی ورشکست شد و پنجاه نفر طلبکار دارد که یکی پانصد تومان صد تومان دو بیست تومان از او طلب دارند و این مالی ندارد وقتیکه غرما شد بپه برسد دولت هم مثل سایر طلبکارها بپه آن نسبت ببرد که بسایرین هم يك چیزی رسیده باشد این عرض بنده بود

وزیر مالیه - در حقوق دولت نسبت بافراد همیشه يك

مزایائی را قائل میشوند و حق هم این است که قائل شوند در موردی که دولت عدلی میکند که مثل عمل افراد است مثل يك فرد است ملکی را اجاره میدهد یا میفروشد يك جنسی را ممکن است بشه بفروشد یا ممکن است خانه را اجاره بدهد در اینجا ممکن است دولت مثل سایر طلبکارها باشد اگر بدهکار او ورشکست شد و باید اموال او را غرما کرد باید مال دولت هم مثل سایرین باشد بکوقت هم هست که دولت من حیث نماینده جامعه و بطور حاکمیت

۱ - از چکهای صادره با معامله شده در ایران و وجهی که از حساب جاری بوسیله فیض اخذ و یا حوالجائی که از بابت اوراق اعتبار صادر می شود (با استثنای دستور انتقال وجه از حسابی بحساب دیگر) و سایر اوراقی که شبیه چک یا بمنزله آنست بپه مبلغی که باشد در دینار . چک هائی که از طرف وزارتخانهها و ادارات و مؤسسات دولتی یا بلدی صادر میشوند از تأدیة مالیات معاف هستند .

۲ - از کلیه اسناد تجارنی قابل انتقال که در ایران صادر یا معامله یا مورد استفاده قرار داده میشوند (با استثنای اوراق تجارنی مذکور در ماده ۲۷) و منجمه از اسنادی که کاشف از حقوق مالکیت نسبت بمال التجاره باشد از قبیل بارتامه کتی و قبض تحویل مال التجاره بحواله کرد و همچنین اوراق بیمه مال التجاره دوربال .

۳ - از کلیه قراردادها و اسناد مشابه آن که بین بانکها و مشتریان آنها و یا بین مؤسسات صرفائی و مشتریان آنها مبادله و یا از طرف مشتریان تمهد میشود و مربوط بودایع نقدی یا مدت و یا سهام باهرتوقع اوراق بهادار و یا اسناد ذمه و یا انتقال طلب یا التزامنامه در صورتیکه در ذمت اسناد ثبت نشده باشد دوربال

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - موافقم .

رئیس - ماده بیست و هفتم قرائت میشود :

ماده بیست و هفتم - از اوراق مشروحه ذیل نسبت بمبلغ آنها معادل نیم در هزار حق تمیر اخذ خواهد شد برات - قته طلب - تصدیق و دیعه اجناس و مال التجاره (در صورتیکه بمبلغ معینی بحواله کرد دیگری ظهر نویسی بشود) و سایر اوراق تجارنی مشابه آنها از اسناد تجارنی برؤیت و همچنین اسناد تجارنی صادره در خارجه که از طرف حواله دهنده عمل پرداخت آنهم در خارجه معین باشد يك ربع واحد در هزار حق تمیر اخذ خواهد شد .

تبصره - حق تمیر مقرر در این ماده نسبت بمبلغ کتر از هزار ریال معادل حق تمیر ۱۰۰۰ ریال مأخوذ خواهد شد .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده خیال میکنم که این ماده خوب تنظیم نشده برای اینکه اول ماده نوشته میشود از اوراق مشروحه ذیل نسبت بمبلغ آنها معادل نیم در هزار حق تمیر اخذ خواهد شد آخرش نوشته است يك ربع واحد در هزار حق تمیر محسوب میشود بمقیده بنده تصدیق باید بشود اینجا مراد از نیم در هزار برات و قته طلب و تصدیق و دیعه اجناس و مال التجاره و سایر اوراق تجارنی مشابه آنها تا اینجا نیم در هزار است و بعد از اسناد تجارنی برؤیت از اینها يك ربع پس در این جا باید نوشته شود که از اوراق مشروحه ذیل نسبت بمبلغ آن ها يك ربع واحد در هزار اخذ میشود و بعد هم اسناد تجارنی اضافه شود وسط ماده و الا تناقض دارد .

رئیس - ماده بیست و هشتم قرائت میشود

ماده بیست و هشتم - در صورتیکه چکها و اسناد تجارنی که مشمول مالیات فوق می شوند در ایران صادر شده باشند باید صادر کنندگان تمیر مقرر را روی آنها الصاق و باطل نمایند و هر گاه اسناد مذکور در خارجه صادر شده باشد اولین شخصی که در ایران اسناد مزبور را منصرف میشود باید قبل از هر قسم امضا اعم از ظهر نویسی معامله - قبولی یا پرداخت بتزئیب فوق عمل نماید معینا مؤسسات بانکی مکلفند قبل از تسلیم دفترچه چک بمشتریان خود آن ها را تمیر کنند مؤسسات یا اشخاصی که در ایران چک یا سایر اسناد مشابه را معامله - دریافت یا تأدیة می نمایند بطور تضامن مسئول الصاق تمیر های مقرر فوق بوده در صورت تخلف مسئول پرداخت حقوق و جرائم مقرر خواهند بود .

رئیس - ماده بیست و نهم قرائت میشود :

ماده بیست و نهم - وزارت مالیه مجاز است در هر مورد که لازم بداند دفاتر مخصوص ثبت معاملات چک و اسنادی که مشمول مالیات تمیر میباشند و در سببه های مربوط بانها را تقنین نماید .

جرائم مقرر در ماده ۲۳ در مورد تخلف از مواد ۲۶ الی ۲۸ بنا در مورد امتناع از تفهیم مذکور در این ماده نیز تعلق خواهد گرفت

رئیس - ماده سی ام قرائت میشود:

فصل سوم

مقررات منفرقه

ماده سی ام - اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضاء کمیسیونهای تشخیص مذکور در مواد ۱۹ و ۲۰ و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از منافع و عملیات مؤدیان در نتیجه مأموریت حاصل کرده اند بکلی محرمانه نگاهدارند مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات مذکور را ایجاب نماید متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد.

رئیس - آقای انور

انور - با اینکه يك قسمت از اینها در همان کمیسیون مطرح خواهد شد طرف مباحثه خواهد شد این قرائن و امارات را بطور محرمانه نگاه خواهند داشت مأمور مالیه باید عقایدش را در کمیسیون که تشکیل میشود بآنها که باید بگوید مقصود این است که هیچ نگویید با محرمانه بگوید مقصود از محرمانه یعنی چه؟ بنظر بنده چون طرف یک نفر نیست محرمانه نگاه داشتن معنایی ندارد خوب است توضیح بدهند

وزیر مالیه - بنده ماده را میخواهم اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضاء کمیسیونهای تشخیص مذکور در مواد ۱۹ و ۲۰ و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از منافع و عملیات مؤدیان در نتیجه مأموریت حاصل کرده اند بکلی محرمانه نگاهدارند (مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات مذکور را ایجاب نماید) البته باید کمیسیون که رسیدگی میکند از این موضوع اطلاع پیدا کند

رئیس - ماده سی و یکم قرائت میشود:

ماده سی و یکم - استثنائاً برای ۱۳۱۲ بجای مهلت

۱۵ خرداد معینه در ماده ۱۲ و ۱۷ از تاریخ تصویب این قانون سه ماه مهلت مقرر میشود

رئیس - آقای کاشف

کاشف - بنده توضیحاً خواستم سؤال کنم نظر سه ماه مهلت لابد برای قسمتهائی است که تا کنون تسویه نشده است البته اشخاصی که تا کنون مالیاتشان را پرداخته اند که محتاج نیست

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده معتقد هستم که بیشتر اینها باید تسریع شود زیرا غالب اشخاصیکه مشمول این مالیات هستند مطابق قانونی که قبلاً بوده است شاید مالیاتشان را پرداخته اند اینجا باید تسریع شود که اشخاصیکه مالیات خودشان را بر طبق قانون سابق پرداخته اند تا سه ماه دیگر مهلت دارند که پرداختند و الا اگر داده اند که دیگر حرفی نیست

مخبر (آقای ناصری) - همانطور که آقای کاشف توضیح داده شده است بدیهی است اشخاصیکه مالیاتشان را داده اند دو مرتبه نمی پردازند لزوم نداشت که این استثناء قید شود بدیهی است کسی که مالیاتش را داده است دو مرتبه از او گرفته نمیشود و مستثنی است

رئیس - ماده سی دوم قرائت میشود

ماده سی و دوم - مقررات این قانون بطریق ذیل اجرا میشود

الف - نسبت بحقوق بگیران از تاریخ انتشار این قانون در مجله رسمی وزارت عدلیه

ب - نسبت بسایر مؤدیان از تاریخ سنه مالی ۱۳۱۳ معهداً نسبت بمؤدیان اخیرالذکر مقررات این قانون در مورد مالیاتهای مربوطه سنه ۱۳۱۲ و سنوات قبل که هنوز تصفیه نشده اند قابل اجرا میباشد.

ج - نسبت به حق نمبر چک ها و پروات و سایر اوراق تجاری یکماه بعد از انتشار قانون در مجله رسمی وزارت عدلیه.

نخواهیم کرد بروند زودتر بپردازند از شما هم راحت شوند

رئیس - آقای کاشف

کاشف - این معهداً در این ماده که هست گمان میکنم اسباب اشکال میشود در سنه ماضیه يك تصویب نامه دولت صادر کرد که تقریباً بر خلاف نص صریح قانون سابق بود باین معنی که نسبت به شرکتها قانون ارفاقی کرده بود و از پنج هزار تومان بیلا تا صد هزار تومان صدی سه مقرر کرده بود البته يك عده از شرکتها کوچک که تشکیل شده بود مطابق نص صریح قانون بیلاهای خودشان را بآباداره مالیه دادند و مالیه بالاخره متقاعد نشده بود پس بحد تصاب رسیده بود و بخواست يك مبلغی بگیرد و بالاخره يك تصویب نامه صادر شد که در مورد شرکتها که بحد تصاب نمیرسد حداقل مالیات تاجر را پردازند بعد باین آقایان ابلاغ کردند و کشمکش شروع شد و بعد از يك عده مبلغهای علی الحساب گرفتند در وزارت مالیه سابق نباید تصفیه شود و بنده تصور میکنم این قسمتهائی که تا کنون تأدیه نشده است مراد بقایای همین شرکتهاست و البته تصدیق میفرمائید که تصویب نامه هم اگر چنانچه برخلاف قانون باشد نمی شود اجرا شود بنده در این قسمت شخصاً در وزارت مالیه با آقای هقی زاده مذاکره کردم ایشان هم موافق بودند البته اشخاصی که اسناد خودشان را ابراز کرده اند البته باینست مطابق قانون معاف باشند بعد آمده اند مطابق آن تصویب نامه بقایای سه ساله را بعنوان مالیات تجاریت از آنها مطالبه میکنند البته آنها هم نمیتوانستند بپردازند خواستند همه ساله بیلان خودشان را بمالیه بدهند در اینجا عملی که شده است مخالف با قانون سابق است و استدعا میکنم با آن زحمت رافع بکند البته اگر آن زحمت رافع بشود این اشکالی ندارد ولی اگر آن زحمت برای شرکتها باشد و اگر تحقیق بفرمائید اسباب زحمت است این (معهداً) اشکال خواهد داشت.

وزیر مالیه - بنده این بیانی که فرمودند را جمع تصویب نامه اطلاعی هنوز ندارم و خیلی هم تعجب میکنم اگر مطلب این طور باشد که آقا فرمودند یعنی يك تصویب نامه باید و اشخاصی را که مشمول يك مالیاتی نبوده اند برخلاف يك قانونی مشمول کند و باینک تغییر مالیاتی ایشان بگیرد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - خوب است آقای وزیر مالیه در این ماده يك توضیحی بفرمایند یا باز بنده بد فهمیدم نسبت به سایر مؤدیان از تاریخ سنه مالی ۱۳۱۳ معهداً نسبت بمؤدیان اخیرالذکر مقررات این قانون در مورد مالیاتهای مربوطه سنه ۱۳۱۲ و سنوات قبل که هنوز تصفیه نشده اند قابل اجرا میباشد. حال ۱۳۱۲ را گفتیم یعنی اینطور توضیح دادند اشخاصی که پرداخته اند مالیاتشان را که دیگر چیزی ازشان نمیگیرند آنها را که پرداخته اند ممکن است بگوئیم مشمول این قانون هستند ولی اشخاصی که از پیش بدی داشته اند با آنها چه کنیم (دستی) با آنها هم مطابق این قانون معامله میشود) و سنوات قبل از ۱۳۱۲ که تصفیه نشده چه میکنیم.

وزیر مالیه - اگر نماینده محترم در ۱۳۱۲ اشکال میکردند زحمت بنده زیاد بود برای اینکه آنوقت باینست اینجا خیلی صحبت بکنم و دلیل بیارم و ایشان را قانع کنم که چرا کسی مالیات ۱۳۱۲ اش را قبل از این قانون پرداخته است بعد از آنکه این قانون بموقع اجرا گذاشته شد مطابق این قانون باید بدهد ولی وقتی که ۱۳۱۲ را قبول کردند و قائل هستند کسی که مالیات ۱۳۱۲ را پرداخته است مطابق این قانون با او عمل شود بنده آنوقت دیگر نمی دانم چرا این اشکال را در ۱۳۱۱ میکنند چون آنوقت اشکال این میشد که چون عطف بعد سبق است باین جهت موافقت نمیکند ولی وقتی شما ۱۳۱۲ را قبول کردید در بازده هم بمنظور است و بنده تصور میکنم این استدلال صحیح است. يك قانونی بوده است الان هم هست الان هم میتوانند مالیات خودشان را بپردازند تا شور دوم این قانون و تا وقتی که این قانون تصویب شود در روز دیگر که این قانون از مجلس بگذرد و بصره برسد و بموقع اجرا گذاشته شود برود مطابق قانونی که موجود است عمل کنند دیگر ما که بهش کاری نخواهیم داشت ولی اگر بپردازند ما دیگر مطابق آن قانون ملغی شده با او عمل

حالا شاید سوء تفاهمی شده باشد ولی فرمایشانی که شد عقیده که بنده داشتم هنوز توانستم تغییر بدهم ولی مهذا مانعی ندارد پیشنهاد است و شوراولددر کمیسیون می نشینم و همدیگر را قانع میکنم

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - عرضی ندارم

رئیس - ماده سی و سوم قرائت میشود :

ماده سی و سوم - ترتیب و تدریجی که مطابق ماده فوق مقررات این قانون بموقع اجرا گذارده می شود مقررات قانون مالیات بر شرکتهای و تجارت و غیره مصوب ۱۳۰۹/۱/۱۲ ملتی خواهد شد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده واجعبطرت تحریر این ماده عرض داشتم و آن این است که قانون بعد از تصویب قانون است هر لایحه که تقدیم مجلس شد همین که بتصویب مجلس رسید قانون است فعلاً این ماده که تصویب میشود حقیقتاً بعد از آنکه بصفحه هدایونی موشح شد قانون است و قانون سابق که حالا هست بقوت خودش باقی است و این تناقض پیدا میکند و از ترتیب صحیح دور است این را بنده عقیده ام این است که در شور تانی بک ترتیب صحیحی بنویسند که مخالف ترتیب قانون گذاری نباشد که هر دو قانون در کار باشد این تصویب شده و آن یکی بقوت خودش باقی است

مخبر - بنده خیال میکنم مانعی نداشته باشد که بک

قانونی تاریخی برای اجرای مواد خودش معین کند معمول است و سوابق زیاد دارد قانون تصویب می شود تاریخی برای اجرایش معین می شود و هر قانونی که می آید قانون سابق خودش را اگر مواد متناقضی داشته باشد نسخ میکند و سوء تفاهم ایجاد نخواهد شد

طباطبائی دیبا - این مربوط بعرض بنده نبود .

رئیس - ماده الحاقیه قرائت میشود :

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مهمل :

بنده پیشنهاد میکنم ماده ذیل به قانون مالیات بر عایدات اضافه شود

ماده ۳۴ - مالیات بر عایدات که بموجب این قانون دریافت می شود مالیات بدو قسط اخذ خواهد شد

رئیس - آقایانیکه بورد در شور دوم لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده سه شنبه پس فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح عدلیه .

اسر - سه شنبه فرمودید؟

رئیس - سه شنبه عرض کردم چون معهود است که این هفته بیشتر کار کنیم

(مجلس ساعت شش بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی .. دادگر